

آیا واقع این اشکال و معذور نخواهد شد»

چون با عرض می‌کنم که چون به تازگی از طرف مجلس اجازه و اختیار بن داده شده است در تعیین و انتخاب اشخاص مناسبی بجهت نظم و ترتیب فوج زانده امری خزانه در تحت نظارت و حکم خودم اظمار این خدمت بیاز و استوکس فقط باین ملاحظه میباشد که مشارالیه را در انجام امری که در نظر دارم بهتر و مناسب تر از سایر اشخاص میدانم و اطلاعات شخصی از بیانات و قابلیت مشارالیه دارم از قبیل اطلاعات نظمی و توقف چهار ساله اش در ایران و استحضارش از امور داخلی مملکت و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که عموماً در این مملکت به آن آنگاه می‌کنند) و روی هم رفته بواسطه اهمیت و احترامی که عموماً بملاحظه صاحب منصبی و جنیده تخصیص میکنند \*

هیچ تردیدی در دادن اطمینان بشما ندارم در اینکه در انتخاب معاون مقتدری برای این شعبه از کار خود ملاحظه مایت و رعایت رعیتی دولت مخصوصی در رأی من راه نیافته و نخواهد یافت اگر چنین می بود طبیعی است که نظر با احتیارات تامه که در این باب با انتخاب تفویض شده بخوبی میتوانستیم همو معاونین را از وطن و مملکت خود جلب نمایم \* در این موقع تذکراتی که کار و نهاد ما مطالب می‌نمایم که در اصلاح امور مالیه که مسئولیت آنرا به عهده گرفته و نیک نامی خود را در انجام این امر صعب بمرض امتحان گذارده ام ابتدا رعایت حیثیت پلیسی در کار نیست و ملاحظاتی پلیسی و شخصی یا عمومی و بین المللی در اعمال من راه نیافته بالطبع احساس می‌کنم که در اظهار صاف دلازه و بی‌غرضانه این شغل به مارور استوکس هیچ قسم رعایت و طرف داری پلیسی در خاطر من بر توفیق نگنده است \*

با کمال احترام نسبت بر عابای درون کوچک و بدون بی احتیاری نسبت به هموطنان خود که ایشان را در خدمت فوج زانده امری به همراهی مارور استوکس ما مور گردانیده عرض می‌کنم عقیده شخصی من اینست که مارور و سوف قابل ترین شخصی است برای انجام خدمات نافده مؤثره مقیده نه این دولت در امور راجعه عالیله در هیچ صورت راضی نخواهم بود یکی از انواع عر دولتی را در این شعبه یا شعب دیگر کار خود ما مور و منتهب کردیم تا اینکه اطلاع و احراز اطمینان شخصی از لیاقتهای مخصوصه اش بکرده باشم \* همه میدانند یکی از عاقل بسیار مشکله که در این مملکت اجانب را حاکم از حال خود استنباط نموده ام معطل دانسته انداستی زبان و عدم اطلاع از عادات و رسوم و

(عقاید) خیالات ایرامیان است این نظریص صاحب ترویزرگت تر خواهد بود برای کمیکه سروکارش با عده کثیری بیفتد برای تشکیل فوج مسلحی صاحب منصب سویدنی هر قدر هم که بالیاقت و کفایت باشد تا باید پس از یکسال یا بیشتر بتواند معاونت صمیمی به این تبعیه بکند و حال آنکه اهمیت تشکیل و لزوم بکار انداختن قوای نظامی ژاندارمری بی نهایت فوری میباشد \*

آخر کار اجازه می طلبم در عرص و اظهار این مطلب که چون عموماً از مسئله اظهار این خدمت به مازور استوکس مطلع گردیده اند پس گرفتن این اظهار نامه از طرف من شاید عمل پر رعایت نکات هائیکه صرف بشود و حال آنکه هیچگاه راضی باین اتهام نخواهم شد \*

امید دارم که این عراضم برای مطمئن ساختن دولت متبوعه شما کافی بوده و بتوانم از طرف دولت تیار رعایت مناسب فوری جلب نمایم برای قبول مازور استوکس این خدمت را \*

سر جارج عزیزم دوست صمیمی شما \*

و مورگان شوستر



— ( ۴ ) — مرامله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \*

ظهران - خزانة داری کل دولت امیراطوری ایران \*

تاسزدهم ژوئیه ۱۹۱۱ ( مطابق نوزدهم رجب ۱۳۲۹ )

سر جارج عزیزم : دو مطرا قبضه مکتوبه جوف را وزیر خارجه نزد من فرستاده است. تصور میکنم از بابت دوازده هزار پانصد فرانگی است که دولت امیراطوری بر حسب معمول از بابت قرارداد تعمیر خط تلگراف هند و اروپای بلوچستان از سعادت شما وصول میشود. وزیر معری الیه حواش نموده که مبلغ مزبور را در صورتیکه سعادت شما همگی صلاح ندانند خود وصول نموده و قبضی به اصحابی خود بدهم. اگر چه رأی داده بودم که خود شما هم این تغییر را شما اطلاع بدهم. ولی این اطلاع را هم بخود این جانب محول داشته اند. جنابعالی از طرف شما باشد اکنون مبلغ مزبور را ( و در آینده نیز ) وصول نموده و قبضی رسید آنها به اصحابی خزانة دار کل ارسال دارم در این صورت حواش شماست است قبوض جوفی و رارت خارجه را استرد فرمایند \*

با احترامات دوستانه سر تجارچ عزیزم : دوست صادق شما \*  
 و \* مورگان شوستر حرانه دار کل \*  
 ( دو طرفه قبض موقوف )

قلهك جناب سر جارج باركلي \*\*\*



— ( ۵ ) — سر اسامه جواویه سر جارج باركلي به معتر شوستر \* —

طهران . قلهك . سفارت شاه انگلیس \*

همپد هم رویه ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ )

مستر شوستر عزیزم : بسیار متأسفم از اینکه در جواب مکتوب ماوردم شما بنویسم که چون قبض بر آنها درازده هزار و پانصد فرانک برای تأدیه قسط تشاهه بر حسب معمول با اسم وزیر خارجه خرید شده است در قبض چونی وزارت خارجه لغاً ایفاد داشتیم که پس از امضای قانونی یعنی امضاء کمیته رسماً از طرف وزارت خارجه نمایندگی داشته باشد معاونت دهد پس از تأدیه مبلغ فوق و قبض و اقباض در مواقع آئیه در وجه خرابه دار کل پرداخته خواهد شد \*

چون ماوردم که با همان اداره رسماً سر اسامه و معاهده بنام از این تعبیر اجتناب نموده بروات را بوزارت خارجه فرستادم و قرض رسید را هم از همان بجا دریافت خواهم نمود \*

امید دارم این ترغیب باعث تسهیل امور شما و مناسب باشد

( دوست صادق شما جارج باركلي )

خدمت آقای مورگان شوستر . تعدفاً توجه خواطر شما را بدین مسئله معطوف میدارم که مبلغ بیست و پنج هزار فرانک از بابت اجاره خط سرکوی ایران برای تأدیه به دولت شما نزد من جمع و موجود است بجز دریافتی قبولتان برای تعمیر خط مزبور پرداخته خواهد شد \* ( به مکتوب بیستم مارس و اول رویه ۱۹۱۱ مغارت رجوع فرمایند \* )



— ( ۶ ) — سر اسامه مستر شوستر به سر جارج باركلي \* —

طهران . خرابه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

بیستم رویه ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و سوم رجب ۱۳۲۹ )

سر جارج عزیزم . محکمست رحمت استمسار اندهم در این مسئله که آیا میشود

زاتی بدید که بنان وسیله انضامی ساعده ماژور استوکس با دولت ایرانیه تکمیل باید \* \*

حقیقت امر اینستکه تمام امور ژاندارمری خزانه ملتی مانده و موقوف بانجام این امر است بدون شبهه و تردید میتوانم بگویم اهمیت و لزوم تشکیل این فوج برای نظم مائیه ایران در لایحه درجه بی باشد بواسطه نبودن فوج مزبور حقیقتاً بیندمست و با شده منحصرم که بانیودن ماژور معزی الیه بکدام کس رجوع نمایم که دارای لیاقتهای مشارالیه باشد لذا ماتمس و خواهش نمودم است که حتی التقدور در انجام این مسئله سعی و کوشش فرمایند .

با احترامات بسیار دوستانه .

( سر جارج عزیزم . . مورگان شوستر )

خزانه دار کل ایران \*

( فامك . ك . س . م . ج . . سر جارج بارکلی \* )



— ( ۷ ) — مراسم جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر \* —

طهران . سفارت خانه انگلیس \*

بیست و یکم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : روز گذشته بدون رسمیت تلگرافی بآدم یوزاوتخارجه دولت خود مبنی بر خواهش فوریت در تصفیه معامله استوکس و اینک هم که مرقومه شما ز پارت ناآب و رسماً تلگراف کردم \*

( دوست صادق شما . جارج بارکلی ) \*



— ( ۸ ) — مراسم سر جارج بارکلی به مستر شوستر \* —

طهران . سفارت خانه انگلیس \*

بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم از طرف دولت منبوعه خود در اطلاع شما مأورم که ماژور استوکس قبل از قبول ریاست ژاندارمری باید از خدمت ( ۱ ) انظامی فوج هندی استعفا نماید . مستر شوستر عزیزم . ج . بارکلی \*

( ۱ ) بوجوب شرطیکه خود دولت انگلیس اظهار نموده بود ماژور استوکس فوراً از

خدمت نظامی در فوج هندوستان مستعفی گشت \*

— ﴿ ( ۹ ) مرسله جوایبه مستر شوستر به سر جارج بارکلی ﴾ —

تهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

سر جارج عزیزم : اکنون سراسله امروزه شما که حاوی اظهار دولت متبوعه تان بود رسید که ماژور استوکس باید ابل از قبول ریاست ژاندارمری از خدمت نظامی عذرش مستعفی شود \*

هنوز به همان عقیده پاتی می باشم که دولت شاهنشاهی ایران باید خدمات ماژور استوکس را بپدر و نینتی که پاتد برای خود تحصیل نماید آید و ارم بفوریت محکمه این معامله تصفیه یافته و انجام پذیرد \*

اجازه می خواهم که از مساعی جمیله و اهتمامات دوستانه که در پیشرفت این امر مبدول داشته اند تشکرات خود را تقدیم نمایم علاوه اظهار این عقیده خود که در اصلاح امور مالیه این ملت سلوک مهربانانه فرموده اند که مطبوع خبر خوانان ایران میباشد با احترامات صادقانه \*

سر جارج محترم من . و . مورگان شوستر \*

( ك س م ج س جارج بارکلی )



— ﴿ ( ۱۰ ) مرسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی ﴾ —

تهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

هشتم اوت ۱۹۱۱ « مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : اجازه می خواهم که من عذر رسم تبارا مخاطب ساخته از امریکه اهمیت و ارتباط نامی با تغل من دارم استفسار نمایم « امشب » شب گذشته با کمال تعجب شایدم که دولت متبوعه شما ( ۱ ) از نامه بوزارت خارجه ایران اظهار داشته است برخلاف استخدام ماژور استوکس در اداره ژاندارمری خزانه بدون شبهه تا بحال از جریان این امر بخوبی مطلع و مسبوق میباشد آیا میتوانم عرض بکنم : نظر جناب مکتوب بیست و دوم ژوئیه شما که حسب الامر دولت متبوعه خود اطلاع داد بودند که « ماژور

( ۱ ) ماژور استوکس در فاصله بین این مکتوب و مکتوب سابق ناگرافا مستعفی شد

دولتین انگلیس و روس فقط عذر بسیار مختصری در این باب بدولت ایران اظهار داشتند \*

استوگن پیرد استعمالی از خدمت قشوقی متحد میتواند این خدمت را قبول نماید. علت  
این تبدیل رخ و انحراف مساککی که از سرمایه اسزوه شما دیده میشود بقصورتی آید.\*  
این قدر میدانم که حتی ندارم اینگونه مطالب را در مراسلات رسمی اظهار تألم و  
تصده توهمین هیچ کس از تخیله مهم صدور نموده از شرکت آف و بی مقدمه با دولت  
خود تان با دولت دیگر برای منع دولت ایران از حقوق معامله خود آیا میتوان بخوبی  
نصود و مقایسه نمود موفقی را که در انظار عموم اهالی ایران برای این جانب حاصل شده.  
در صورتیکه خود آن دو دولت شاعصلت آزادی و استقلال دولت ایران را با کمال احترام  
متعاقب و منفرداً اعتراف و تصدیق (صامت) نموده اند.

خیالات و احساسات تضری خودم چندین قابل اهمیت نیست ولی موفق شدن یا  
فناکامیایم در این تفرق مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سرده  
اند و همچنین در انظار هموطنان بسیار اهمیت خواهد داشت که عده کم دلچسپی و میل مرطبی  
بموفق شدنم دارند.\*

فیل از آنکه این عمل را قبول نمایم یقین قطعی داشتم که هیچ یک از دولتین معطحتین  
که مانع و اعراض مخصوصه در این مملکت دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت  
ولی شایه اگر هم همچو اعتراضی میکردند بکنی بی اصل بود.\*  
با کمال اطمینان عرض میکنم هیچکس بهتر از خود شما حقیقت این امر مطلع نخواهد  
بود که انتخاب ما زور استوگن ابداً تعلق بقاصد بلذیکی نداشته و هیچ گونه عرصی هم در  
بن نیهاتند هیچ شخص عاقل مآل اندیشی نسبت به من گمان نخواهد نمود که بوسیله  
مانیکی اراده نمود در این مملکت داشته باشم زیرا که «پورا اراده در انظار مردم مرا  
تفسخ نموده و حال کئی در امور و مشاعلم راه خواهد یافت.\*

در این صورت این را حمل به حه میتوان نمود که وقتیکه اولین قدمی که در این امر  
مهم برای نظم و اصلاح این بر شایه وی بظنهایم بر میدارم می بینم همان دو دولتی که  
کرازا اظهار خواهشهای صادقانه میکردند رای ترقی و ترمیم حال این مملکت و اهالی ستم  
دیده ام که میخواهم خدمتی بدینسان عام همان دو دولت حمایت و تفضل از وعده های  
خود بنمایند.\*

آنا وزارت خارجه شما میتواند بخوبی احساس نماید درجه و میزان مخالفتی را که  
«صحت پس» در این معامله اختیار نموده و از این مسلك و سبک بسیار جدیدیکه فقط

## حقیقی ایرانیان

نوع از قبیل بمقصودم اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند؟ علاوه بر این  
نویسانم که در این امر مهم از هرگونه معاونت اخلاقی دولت شما مأیوس شده متوقع  
بند همراهی نباشم \*

اگر در این مملکت هم مثل سایر ممالک نامندیده سران عالم تربیت شده تجربه  
مؤخره بسیار میبود نتیجه اعتراض شما اگرچه اصولش صحیح نیست چندان بد نبود  
ولی چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کاروان کیابو قادر است اختیار  
این مملکت ماحی سیاسی و مواقع کامیابی من میباشد \*

امیدوارم دولت مشیوعه شما بوضعی در این امر رفتار خواهد نمود که «ما نحن به»  
را مابین نظر ملاحظه و رعایت نماید قطع نظر از اینکه صراحتاً نگویم که این گونه مداخلات  
در معاملات داخلی ایران و امور معمولی مالیه که برای نظم و اصلاحش کوشش میکنم  
بکلی مداخله غیر مطلوب و ناپسندیدست \*

احساس میکنم مجبوری در این امر را که بتوسط مکاتبات عمومی و توضیحات  
رسمی راجع به این معاملات از بدو ورودم بظاهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع  
گردانم اگر چه اظهار تأسف از اینگونه اقدامات مناسب نیست ولی مابین دول و افراد  
مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد احساس میکنم  
که بی نتیجه تجربیاتم در این معامه بدرجه کافی و ظاهر است که نتیجی قسم محتاج به تجربه  
و آزمایش نخواهد بود \*

مستندی است التعات فرموده از این طرز و رویه آزادانه که عرایض خود را  
اظهار میخایم عفو فرمائید \*

با احترامات دوستانه و انتظار و استبدعای اقدامیکه هنوز هم ممکنست

سر جارج محترم \* دوست صادق شما . و .

سورگان سوستر . خزانه دار کل ایران

( ل . س . م . ح . ۰۰۰ سر جارج بارکلی )



— « ( ۱۱ ) مرسله جوابیه سر جارج بارکلی به سسر سوستر » —

طهران . قلهک . سعارخانه انکایس \*

دوازدهم اوت ۱۹۱۱ « مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ »

نمستر شوستر محترم : در اطلاع و استعلام توجه دولت متبوعه<sup>۱</sup> نمود. بحقیقت و  
 مادیت بنفسمون مرسله<sup>۲</sup> هیجدهم اوت از طرف من قصوری فانی نشده \*  
 دولت اعلیحضرت اجازه داده است که جواباً اطمینان پشای بدهم که درجه<sup>۳</sup> مخصوص  
 اینست تنها و میزانه کار را بچوبی ملحق شده و اظهار تأسف می نمایند از عدم امکان قبول  
 خواهشی که اظهار نموده بودید. دولت اعلیحضرت اظهار دیدارند که شاید در تقرر میل  
 صاحب منصب روسی ریاست این اداره در سرحد هند برای ما نیز مجال اعتراض می بود  
 منتقل شدن به این نکته لازم است در صورتیکه دولت روس به استخدام ماژور استوکس  
 تعرض بکنند برای دولت اعلیحضرت تحقیر و عدم اعتنا به آن اعتراض ممکن نخواهد بود  
 و لازم است دولت ایران از مشکلاتی که از این انتخاب تولید میشود مطلع و متنبه سازند \*  
 از چندی قبل مقوله (۱) با دولت ایران در میان بود که باید فقط از اتباع دول  
 کوچک در خدمت امین انتخاب نماید فقط استثنائیکه شده بود درباره رعایای دولت اتاژونی  
 بود نتیجه رأی دادن دولت اعلیحضرت بود که دولت روس در این استثناء اتفاق کرده و  
 نتوانست هیچگونه اعتراضی بدولت ایران نسبت به استخدام رعایای « اتاژونی » ممالک  
 محصنه امریکا نماید دولت متبوعه<sup>۴</sup> من اظهار تأسف می نماید از اینکه دولت ایران در انحراف  
 از مقوله مزبوره از اول رأی و رضا دولت روس را « در این انتخاب » جنب نمود \*  
 به عقیده سر ادوارد گری در باب خلاص از این اشکال جاره<sup>۵</sup> منحصر خواهد بود به  
 انتخاب یکی از اتباع دول کوچک بجای ماژور استوکس \*

در ابلاغ این بیغام بیروسی اجازه میخواهم که احترامات خود را نسبت بشخص  
 شما بیفرام یقیناً این جانب را دوست صادق خود بشناسید \* « بارکلی . ج »  
 عالیجناب . و . مورگان شوستر خزانه دار کل دولت امپراطوری ایران



— « ۱۲ » مرسله در جارج بارکلی به مستر شوستر \* —

(۱) دولت ایران ابتدا از همه مقوله اطلاع نداشت \* چندی بعد هم یکی از رعایای  
 دولت انگلیس بر طبق معاهده رای استخدام در وزارت پست و تلگراف با تصویب  
 روسی دولت انگلیس انتخاب و معین نمود \* « چون رعایت تصویب دولت انگلیس  
 بیلاحظه استخدام در تلگراف حایه هند و اروپای هند لازم بود » و از طرف دولت روس  
 هیچ اعتراضی رسماً یا غیر رسم در آن انتخاب اظهار نشد \*



طهران : سفارت فرانسه انگلیس \*

بیست و یکم اوت ۱۹۱۱ « مطابق بیست و نهم شعبان ۱۳۲۹ »

مستتر شوستر عزیزم . چنانچه اسباب زحمت نباشد روز جمعه ساعت پنج عصر برای ملاقات شما بیایم . والا لطف فرموده ساعت دیگر را در همان روز یا روز دیگر بهتر از روز چهارشنبه همین بفرمائید . با نیت اینک باید بجزایه داری بیایم یا بنزول شخصی شما دوست صافدی شما \* جارج بارکلی \*

مجدداً تعدیع میدهد مخصوصاً میفروهم در باره راه آهن یا شما گفتگو نمائیم بسیار مایلیم که چیزی در باب فرارنا « باهارت » قبل از آنکه دولت ایران خود را گرفتار پارتیش کند بشنوم



— « ۱۳ » مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی \*

طهران - خزانه داری کل دولت امراطوری ایران \*

سیزدهم ستمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

جناب ک . س . م . ج . سر جارج بارکلی وزیر مختار دولت انگلیس مقیم طهران جناب وزیر محترم بسیار خوش وقتم که شما اطلاع دهم خواهشی را که « کتاب » در پانزدهم ماه گذشته از کرنل اموز نماینده « کالی » « مسوز » سلیمان و برادران لندن نمودام در باب استقراض چهار میلیون لیره انگلیسی مواد مراسله مرصوره در جوف است \*

اکنون از دولت متبوه و نمود شخصی جناب عالی امید معاونت در انجام این معامله دارم تا به خوبی و اطمینان تصفیه پذیرد \* با تضام تقدیم احترامات کامله جناب وزیر مختار محترم . و . مورکان شوستر خزانه دار کل ایران \*



— « ۱۴ » مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی \*

طهران : خزانه داری کل دولت امراطوری ایران \*

چهاردهم ستمبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رمضان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم . نوعی در تحصیل اطلاع از وضع سلوک دولت متبوه ، جناب عالی و دولت روس در باره معامله مصوبه استقراض از کتانی سلیمان و برادران لندن قدری باعث پریشانی کار گردیده است و بی شبهه بعد از اینکه این معامله بکلی انجام گیرد تعویقات چند دیگری در کار خواهد بود اگر اشکال و معانی در این امر بروز

اظہار نموده ام مشغول شویم \*  
بسیار مایلیم کہ بدون تعویق و تاخیر پیش از این بدانم کہ رأی دولت شما در معامله  
منزبورہ چیست و ہر اندامی ہم کہ در تحصیل اطلاع از رأی دولت روس در باب این  
معاملہ بفرمایند از صمیم \*

صداقت و صاف دلی کہ در طریقہ این استعراضی بسیار با اهمیت قلب راضی و متشکر  
خواہم بود \*

در اظہار بہ سفارتین اتقاد شدہ بقیتاً در تحصیل توضیح رأی سریع و صریح دوامین بجا  
اجازت خواہد داد با تقدیم احترامات ہم پمانہ سر جارج بہتر ہم : دوست بسیار صادق شما  
و مورگان شوستر خزانہ داور کل ایران \*

طهران سفارتخانہ اعلیحضرت پادشاہ انگلیس ک - س - م - ج - سر جارج بار کلی

— « ( ۱۵ ) مرسلہ سر جارج بار کلی بہ مستر شوستر » —

طهران : سفارت انگلیس \*

بیست و سوم ستمبر ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و نہم رمضان ۱۳۲۹ )

مستر عزیزم : کوشش خواہم نمود کہ رأی دریافت معانہ کافی ملحدن تحصیل نظام  
دوست صادق شما جارج بار کلی

طهران سفارتخانہ اعلیحضرت پادشاہ انگلیس \* جناب

ک - س - م - ج - سر جارج بار کلی

— « ( ۱۶ ) مرسلہ سر جارج بار کلی بہ مستر شوستر » —

طهران : سفارت خانہ انگلیس \*

سوم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق نہم سوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از فراریکہ خبر رسیدہ در خصوص تشکیل و انظم زاندارمری  
اگر بتوسط صاحب منصبان سویدی ممکن نباشد ممکن است مارور استوکس بہ ریاست  
ہیئت نظامی در اصفہان یا نوب بہ آن ولایت معین شود بدیہی است کہ یک شرط عمدہ  
اش این خواہد بود کہ قسمتی از آن ہیئت کہ محدود شمالی ما مور میشوند باید در تحت  
ریاست افسران ایرانی یا یکی از رہایای دولت کوچکی باشند \*

آیا ممکن است رأی خودتان را در این باب اطلاع دهند \*

دوست صادقی شما \* جارج بار کلی \*



« ( ۱۷ ) » مرسله جوابیه « مسز شومستر به سر جارج بار کلی »

طهران : خزانه داری کل دولت امر اطوری ایران \*

پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ ( مطابق یازدهم شوال ۱۳۲۹ )

سر جارج محترم : در جواب مرقومه سیزدهم اکتوبرتسا میخواهم عرض نمایم که مسئله تخصیص محل ماموریت استوکس به اصفهان هم از حیث اصول معموله و هم بوجوب قوانین معاملات خارج از بحث و موضوع است \*

امید دارم وزیرای خارجه روس و انگلیس در موقعی متقاعد شده و باور خواهند نمود که وقتی که بگویم استوکس را بجهت مشورت و معلومات خاصه که دارد میخواهم در تشکیل زاندار سری خزانه در اینجا یعنی در طهران مرا معاونت نماید شرض مهم معنی با حیلات نظامی و « آثریتی » در بین بوده است \*

بعضی اوقات بیان وقایع آشکار و مقاصد ظاهره تخصیص بطوری مشکل که غیر ممکن می شود که نمیتوان حقیقت امر را باور نمود ولی این مطلب کلیه صدی و مطابق واقع است که نه از ظاهر و نه از محوای عرایص من هیچه مطلب مهمی مستفاد نمیگشت که ماموریت استوکس را به اصفهان یا جای دیگر اختصاص داده او را پای بند نمایم که از آن محل رای داده در این جا مرا معاونت نماید \*

سر جارج محترم من : آیا مونغ لرسیده که دو دولت بررگ بازیهای خودشان را در این موضوع ترک کرده واضح و آشکار بگویند که در خصوص استخدام استوکس بقسبهیکه عرض کرده بودم هنوز هم مایل بجماری داشتن مخالفت خود بوده و نا این درجه کافی نیست ؟ با احترامات مهربانانه سر جارج محترم . و

مورگان شومستر . همراه دار کل ایران \*

( ک . س . م . س . ج . سر جارج بار کلی )



« ( ۱۸ ) » مرسله سر جارج بار کلی به مسز شومستر »

طهران . سفارت انگلشن \*

( پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ یازدهم شوال ۱۳۲۹ )

توسط وزارت خارجه اظهار شده باید امروز جواب آقا بنویسم \*

اگرچه محوطه مبرم سابقاً هم در باره عدم تخصیص محل ماموریت مشار الیه اظهاری نموده بودند ولی نخواهیم بدون توضیح این نکته جواب وزارت خارجه را داده باشیم که اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان منطقه نفوذ سفیره (۱) را بدرجه تخصیص بسیار ثابت نخواهد گردانید \* دوست صادق شما . جارج بارکلی

— ﴿ (۱۹) مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر توستر ﴾ —

طهران سفارت انگلیس \*

دهم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم توال)

توستر محترم من : پس از تقدیم مینا درجه تشکرات خود از مراسله شما عرض میبایم که بعد از ظهر امروز منظر ملاقات شما خواهم بود \*

گان نمیکنم دیگر در مسئله بارک تعاع السلطنه مشکلی در پیش باشد ولی یقین دارم یفرستادگان خود سفارت و عدوقن آکید در اجتناب از ارتکاب امور غیر مهیه خواهند نمود زیرا که در صورت معارضه به نتیجه بسیار وحییمی مصادف خواهند شد \*

دوست صادق شما \* جارج بارکلی

— ﴿ (۲۰) مراسله جوابیه مستر توستر به سر جارج بارکلی ﴾ —

طهران : خزانة داری کل دولت امر الطوری ایران \*

دوم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق دهم ذی قعدة ۱۳۲۹) شخصی است  
سر جارج محترم من : رفته دعوت محبت آمیزانه و مینر بالانه شما و «ایدی» خانم بارکلی را (۲) «سر» خانم توستر و بنده زارت نمودیم میزان مرح و انبساطیکه از دعوت شام

(۱) یعنی منطقه نفوذ سفیره در صورتی تصدیق واعتراف میباشد که اختصاص محل ماموریت مارور استوکس به تبراز شده است ولی اعینش در اصفهان از این بصورات خارج است \* مرجم

(۲) ایدی به خانمائی خطاب میکند که شوهر شان دارای اینی باشد \* مثل جارج بارکلی که لقب «سر» معتر بود ولی سر به زن هائی بگویند که شوهر شان دارای این مقام باشد \* مرجم

روز سیزدهم ماه جاری به همراه شما حاصل شد به تاریخ در آن آید ولی تصور میکنم روی هم رفته قبول این دعوت سفارت انگلیس بدون اینکه شما را از قضیه ذیل مطلع گردانم مناسب نباشد زیرا که مکشوف سر باز یا امضای به «فیس» لندن نوشته و اعتبارات صریح از سمت سلوکی که دولت متبوعه شما نسبت با امور راجعه بین و ملتی که متغول خدمت کردن نشان میباشد تفهیم نموده ام اگر چه در آن بیانات اظهاریه مطالب شخصی راه نیافته و خود شما مستوفید که همیشه نسبت بشخص جنابعالی اعزازات و احترامات کامله منظور نموده ام ولی تصور میکنم عدم حضور مسرتوستر و من در این مهمانی رسمی سفارت باعث رعایت عمای از یر دشمنانهای مجسمه گشته و خاطر تان از بعضی ملاحظات راحت بشود فقط برای رعایت همین نکته این کاغذ را میبویسم \*

بقین دارم بخوبی ملتفت میشاید که بغیر از این ملاحظه هیچ امری مرا از درک شرافت بیزبانی شما مانع نخواهد بود \*

برای رفع هر قسم توهمات نا موافقی ممکن است عرض کنم که در صورتیکه صلاح بدالید مسرتوستر و من یا نهایت خوشنواختی حاضریم که با تمنا و لیدی بار کلی من غیر رسم تمام یا چیزی مثل بهوه صرف نمائیم \*

اگر چه عقیده شخصی خودم این است مداخلات شخصی را یا امور ارتباطی و تبادلات با تیسکی را با روابط دوستانه نباید آمیخت ولی شاید دیگری در این عقیده با من شریک نباشد و شاید هم در موافی تجدید این در حالت و اقتراقتان از یکدیگر ممکن بشود \* با این حال اگر بصورتان مایل باقتید حاضریم ولی بعد از رسید جواب این مکشوف از طرف شما آن هم در صورتیکه احتیال تقید و نکته چیزی از طرف هم بطاران - یا در طهران نسبت بشما نرود

دوست صمیمی شما ، و مورخان شوستر

طهران سفارت انگلیس ، خدمت - ک . س . م . ج

سر . جارج بار کلی



— (۲۱) — سرانجامه جوابید سر جارج بار کلی به دستر شوستر \*

طهران سفارت انگلیس ۴

دوم نوین ۱۹۱۱ ( مطابق دهم ذیحجه ۱۳۲۹ )

شوستر عزیزم ؛ نهایت تشکر فوق العاده از مرقومه دوستانه امرود شما حاصل و احترامات لایقه نسبت به بدد اش تقدیم مینمایم در هر صورت اگر ما هم دعوت خود را ماتیوی داشته و تا آخر انداخته تا در جریان امور پیروی حاصل شود مناسبتر باشد این طرز سلوکی را که با کمال صداقت و یکپارگی نسبت بن مبذول داشته اند، حاکی از فرط مرحام و الطاف شما نسبت بخود میداند \*

التفات فرموده سلام و احترامات لایقه مرا به مسرتوسنرا ایلخ کنید و بطور یقین این جانب را دوست صادقی خود بدانید \*

جارج بار کلی



— ﴿۲۲﴾ مراسله سر جارج بار کلی به مسرتوسنر ﴿۲۲﴾ —

طهران سفارت انگلیس \*

هفتم نومبر ۱۹۱۱ ( مطابق یازدهم ذیقعدہ ۱۳۲۹ )

توسنر عزیزم : آیا میتوانم فردا بقدر چند دقیقه شما را ملاقات بکنم ؟ \*  
 میخواهم تکراری که از طرف دولت متوعمد در باب استخدام مسیولکلو رسیده بشما ارائه نام و نیز ما مورم بعض ملاحظاتی را که البته خود شمام ملتفت میباشد توضیح دهم \*  
 اگر چه تا درجه میتوانم بگویم هر وقت فردا را که میل داشته باشند حاضر خواهم بود ولی چون از لایب السلطنه نیز خواهش ملاقات نموده ام بمیدانم چه وقت را ایشان معین خواهند فرمود \*

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی



— ﴿۲۳﴾ مراسله سر جارج بار کلی به مسرتوسنر ﴿۲۳﴾ —

طهران سفارت انگلیس \*

دوم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق هیجدهم ذیقعدہ ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : اگر چه یقین دارم تا اکنون مکتوب سر باز شما اتناعه یافته ولی بسیار مایل و ممنون خواهم بود اگر ممکن باشد سواد آن مراسله را به بیضم \*

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی \*



— ﴿۲۴﴾ ایضا مراسله سر جارج بار کلی به مسرتوسنر ﴿۲۴﴾ —

طهران ، سفارت انگلیس \*

چهاردهم نوامبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۹ »  
شوستر عزیزم : سابقاً وعده کرده بودند که معاهده و قرارداد خود را يك مرتبه ارائه  
خواهند فرمود آیا بهمان وعده خود باقی میمانند ، بنابر این خواهش آیا ممکن خواهد بود  
معاهده مزبور را به بیستم سواد مکتوب شما را با نهایت شوق و دلچسپی تمام دیده ولی  
تصور میکنم نسبت به دولت قدری سختی نموده آید \*

دوست صادق شما \* خارج بار کلی \*



— « ۲۵ » ایضا مرسله مر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران ، سفارت انگلیس \*

پانزدهم نوامبر ۱۹۱۱ « بیست و سوم ذی‌قعدة ۱۳۲۹ »  
شوستر عزیزم ، آیا برای شما ممکن است از صحت رأی که بدولت متبوعه خود داده  
ام مرا مطلع گردانید ؟ که رئیس الوزراء خواهش برداشتن ژاندارم و مستشفظین پاریس  
شعاع السلطنه را از شما نموده و شما در جواب آن اظهار نموده آید که چون حکم ضبط و  
توقیف ملک مزبور به امضای هیئت کابینه و تمام وزراء بوده برداشتن ژاندارم موقوف  
به حکمی مثل حکم اولی خواهد بود \*

دوست بسیار صادق شما \* خارج بار کلی \*



— « ۲۶ » مرسله جوابیه مستر شوستر به مر جارج بار کلی \* —

طهران ، خزانه داری کل دولت امر اطوری ایران \*

پانزدهم نوامبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذی‌قعدة ۱۳۲۹ »  
مر جارج محترم : مرسله شما که راجع به استعفای از صحت حکم مشهور مصمم  
السلطنه و جوابیکه داده ام بود واصل گردید ، اگر چه خود بالطبع مایل و خوشوائتم که  
جميع وقایع را شخصاً بشما اطلاع بدهم ولی چون علی الظاهر میخواهید که وقایع مزبوره  
را بدوایت خود اطلاع بدهید نظر بموقع دقیق حالیه قدری مردود میدانم \*

احازرت میطلبم نظیری برای این امر ذکر نمایم ، مثلا اگر کسی از حقیقت قضیه استوکن  
و قبول حکومت هند استعفایش را از سایر سؤالات و جوابش اطلاع نماید آبا در انجام همه  
خواهش فشار و آزاد خواهید بود ، آن هم در صورتیکه نتیجه صحیح آخری آن قضیه  
را ندانسته باشید ، چنانچه مایل باطلاع از این مسئله باشید ، اکمال خوشی و طیب

جنرال نظر حاضریم بعنوان دوستخانه آنها آمده حقیقت فقیه شعاع السلطنه را شفاهاً مشایختریم  
این فقره را عرض کنیم تا جائیکه خودم اطلاع دارم دو روز است که رئیس الوزراء  
و کابینه وجود ندارد \*

با احترامات دوستانه . دوست صادق شما . مورگان شوستر  
« خدمت که . س . م . ج . سرجارج بارکلی

— « ۲۷ » مرامنه جوابیه سرجارج بارکلی به مستر شوستر —

طهران : سفارت انگلیس \*

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذیحده ۱۳۲۹ »  
شوستر عزیزم : نقطه نظر و مقصود را که ما هوسه ملتفت شده و نکرات نخواهم کرد  
در مکتوبیکه دیروز نوشته و ارسال آن را تا امروز فراموش نموده بودم اشاره بدین  
امر کرده بودم که مقصودم چیزی دیگر بوده است البته در رد مسئولین مختار و بکلی  
آزاد نیستید زیرا دیده می شود مطالبی را که تا چند هفته قبل مستعد اطلاع بودید  
تایید اکنون ممکن باشد \*

دوست بسیار صادق شما . سرجارج بارکلی \*

— « ۲۸ » مرامنه جوابیه مستر شوستر به سرجارج بارکلی —

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

هفدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم ذیحده ۱۳۲۹ »

سرجارج محترم من : دو مرامنه مورسه چهاردهم شما و اصل و از نقطه نظریکه  
دوستانه نسبت نماید که این جانب منقول فرموده اند کمال تشکر حاصل کردید \*  
در ارائه نمودن سواد معاهده خود به شما ابتدا عذری نداشته و هم بدین از اطلاع  
دولت شما نیز مصافحه نخواهم داشت در صورتیکه مطمئن بشوم از آنجا بجای دیگر  
« سفارت روس » نخواهد رفت ولی چون قرار داده معهود مطالبی نیست که بجز من و  
دوستانم و بغیر از دولت ایران بدیگری مربوط باشد اگر دولتی خواهش آن را بکنند  
نتیجه نیکی تصور نمیتوان نمود تا این حال اگر مایل بدیدنش باشید بطیب خواطر حاضریم  
که سواد آن را برای شما بفرستیم \*

با تقدم احترامات دوستانه سرجارج محترم \*



دوست صادق شما . و . مورگان شومر

خدمت . ك . ج . سر جارج بارکلی \*

« ( ۲۹ ) مراسمہ مستر شومر بہ سر جارج بارکلی » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراتوری ایران \*

نوزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم جن . کنترل بدوز فردا از راه پترسبرگ عازم انگلستان است \*  
تصور میکنم اگر مشارالیه بتواند ملاقات شخصی با مسیو کوکوستف بکند از نقطه  
نظر دولتمندان انگلیس و روس بحال ایران واقع خواهد بود خیالات شخصی خود را واجع به  
امور مالیہ و همچنین نقشه هائیکہ میتوان بشدایدبر عملی نظم صحیحی بروی کار آورد کہ  
باعث اطمینان دولت ایران و انگلیس و روس بشود کاملاً با ایشان توضیح داده و قہانیدہ ام  
اگر شما ہم این رأی را بہ پشتیبان بسیار محترم خود ہم شدہ اگر بتوانید معرفی کتبھی از  
کتاب مزبور بہ سفیر انگلیس مقیم پترسبرگ بفرمائید و در مکتوب خود از سفیر خواهش  
بفرمائید مشارالیه را با رئیس الوزرای روس ملاقات بدهد و اگر ہم در مراسمہ خود  
اظہار بفرمائید کہ خواهش مزبور را بر حسب خواهش این جانب اظہار فرمودہ اند  
ضرری نخواهد داشت \*

یا تقدیم احترامات مہربانہ \* سر جارج محترم \*

دوست صمیم شما . و . مورگان شومر \*

خدمت جناب . ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس \*

« ( ۳۰ ) مراسمہ شخصی سر جارج بارکلی بہ مستر شومر » —

طهران : سفارت انگلیس \*

دہم زویہ ۱۹۱۲ ( مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰ )

مستر شومر عزیزم - اریاد آوری و عبارات محبت آمیز شما نہایت درجہ متشکر

ہی باشم \*

و بسیار متأسفم از اینکه چرا باین اژس از ملاقات شما محظوظ نشدم امیدوارم  
روزی با ہم ملاقات نمائیم کہ وضع جریان امور پتر و مسئولیت و مجبوریت تو آن کنار  
باشند و حتی و آراہی مسافرت شما را طالب و تفرجہای مطبوع پاریس را اگر در آنجا  
نوقف بفرمائید برای شما آرزو مندیم \* دوست بسیار صادق شما . جارج بارکلی \*

( دوم )

— ۲۰ —

— «سواد معاملات بین محترم مورگان شوستر خزانه دار» —

\* کل دولت امپراطوری ایران و عالی جناب \*

\* س . پاکلیوسی کریل وزیر مختار روس مقیم طهران \*

— «( ۱ ) مراسمہ مستر شوستر بسلیو پاکلیوسی کریل وزیر مختار روس» —

طهران خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

دوم اوت ۱۹۱۱ ( مطابق چهاردهم شعبان ۱۳۲۹ )

توسط وزیر امور خارجه ایران خدمت عالی جناب . س . پاکلیوسی کریل  
وزیر مختار روس در طهران جنابعالی پر حسب حکم نمبر ۲۰۵ وزارت جنگ دولت امپ  
اطوری شرف اظهار دارم که یک طعرا حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج  
روبل بانک شاهنشاهی ایران را که برای تأدیبه قیمت هفت هزار قبضه نعلک ریفل و  
سه میلیون و پانصد هزار عدد فشنگی میباشد که سابقاً بر حسب تصویب مجلس خرید  
شده تقدیم نمائیم \*

امید وارم رسید مبلغ مزبور را که در جوف است امضا فرموده در موقع فرصت  
مسترد دارند \*  
با تقدیم احترامات صحیحانه \*  
دوست صادق جناب عالی \* . و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*  
( طهران \* سفارت روس )



— «( ۲ ) مراسمہ جوایه موسیو پاکلیوسی کریل مستر شوستر» —

طهران : سفارت روس \*

توسط وزیر امور خارجه ایران \* خدمت جناب . و . مورگان شوستر خزانه  
دار کل ایران طهران دوازدهم اوت ۱۹۱۱ ( مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ )

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسمہ دوم اوت شما و حواله سیصد  
و شصت هزار و سیصد و نود و پنج « روبل » منات به بانک شاهنشاهی ایران از بابت  
قیمت نفنگهای ریفل و فشنگهاییکه بجهت ایران از روسیه خرید شده است \*

وسیع مبلغ مزبور در جوف است در یافت فرمائید \*

مستر مورگان شوشر عزیزم : دوست صادق شما . س . با کاپوسی کزلی \*

-----

— ( ۳ ) معامله مستر شوشر با سیلو با کاپوسی —

کرتل وزیر مختار روس \*

طهران . خزانه داری کل دولت امراطوری ایران \*

نوزدهم اوت ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹ )

وزیر محترم من : اکنون بنوسط وزارت خارجه مطلع شده ام که تأدیة حقوق و مواجب یرینگاد قزاق قدری تعویق افتاده است چون از انجناب خواهش شده است که مجلاً این امر را با جناب عالی انجام دهم لهذا برای تصفیه آن حاضر میباشم \* تاکنون مطمئن بودم که بانک استقراضی در مواقع لازم تأدیة مواجب یرینگاد قزاق را اطلاع خواهد داد چنانکه در فقره شماره هزار و سیصد و چهار تومان و نه فران بابت بعضی مخارج که در هجدهم ژوئیه ۱۹۱۱ « بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ » بانک مزبور اطلاع داد لوراً حواله آنرا فرستادم اینک معلوم شده که بدون اطلاع من تأخیری در مواجب یرینگاد واقع شده است اگر چه از وقوع این تعویق بسیار متأسفم ولی این نکته را هم عرض مینمایم که در این باب خود را مقصر و مسئول نخواهم دانست با این حال در هر موقع و در هر وقت سعی و مساعدت در تأدیة حقوق یرینگاد بوده تا احترام ضمانت دولت ایران را در فرار داد سپهر ۱۹۱۰ « ذیحجه ۱۳۲۸ » برقرار دارم \*

پس بعفیده این جانب برای جلوگیری از وقوع تعویق در آتیة مناسب است که در صورت وقوع تأخیر بانک استقراضی با کرتل یرینگاد لوراً مقدار وجه پرداختی را اطلاع دهند تا منم بتوانم مقدار آن وجه را به دفتر بانک حواله داده و باسم کرتل یا صاحب منصبی که رای قبض و اقباض آن مبلغ معین میشود تبدیل نمایم به همان ترتیب که انتقال قروض سالانه بعمل می آید تصور میکنم این ترتیب از حیث عبارت و مفاد و موافق با فرار داد مذکور و باعث تأمین کامل رای تأدیة این گونه مخارج از گمرکات تمالی خواهد بود \*

تصور میکنم در این معامله و برای منع از وقوع تعویق در آتیة چنانچه مرصی جناب عالی باشد مبالغی که باقی است لوراً پرداخته شود بشرط اینکه در آتیة نظیر این

واقعه زوده نشود فقط بلاخطه خبری وقت این نزدیک رعایت شده است \*  
این راه هم عرض کنم چون فردا که بکشید است اما در قلبک خوام خورد امیدوارم  
بعد از ظهر خدمت شما برسیده شاید چند دقیقه بتوانیم در این موضوع با هم گفتگو کنیم \*  
با تقدیم احترامات دوستانه و وزیر محترم من \*

دوست بسیار صادق شما و مورگان شوستر \*

( زرگنده خدمت جناب س . س . اکتیوسکی کریل وزیر مختار روس )



— ( ۴ ) — مرامله جوایبه مسبو پاکیوسکی کریل به مستر شوستر \* —

طهران - زرگنده - سعادت روس \*

بیستم اوت ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۱ )

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مرامله و خواهش شما در باب تصفیه

وجه پرداختی به بریگاد قزاق \*

بهر حال متاسفم از دستور العملهای موصوفه که از طرف دولت متبوعه ام در این  
باب رسیده و مخطی او آن برای من ممکن نیست دولت متبوعه ام همیشه ماضی است که  
دولت مشرقیه را قویاً عبور و مقید به تمویل و اجرای ظاهر عبارات معاهدانشان نماید  
زیرا وقوع هر گونه تخلف در معاهدات بیوفات تمام باعث نقض احترام آنها میشود معاهده  
دهم دسامبر ۱۹۱۰ « مطابق مضمون ذبحجه المرام ۱۳۲۸ » متعلق به این شرط است که باید  
بعضی مخارج دولت ایران بتوسط بانک خودمان با مداخله و تصویب فقط اداره کمرک  
پرداخته شود از طرف دولت متبوعه ام تاکید شده است که مواظبت تمام تا انقضای مدت  
معاهده تغییری در مواد آن بطور نرسد باین جهت امیدوارم تفویض اختیارات را  
بجهت همیشه یا برای چند سال به مسیور مورنارد مناسب خواهید دانست که احکام  
خود را برای تادیه هر بلیغی که در معاهده فوق الذکر مندرج است به بانک ما بفرستد \*  
چون مصارف بریگاد در هجدهم زوبه گذشته فوق العاده و خارج از بودجه

سالانه و مفاد معاهده مزبور بود تادیه اش بدون تصویب صریح شما ممکن نبود \*

از ملاقات امروز عصر با شما بسیار خوشنود و امیدوارم این ملاقات دوستانه سوء  
تفہات را در آینده بمنفع الوقوع ساخته بک جهتی ظنی را که همیشه خواستار آن بوده ام  
تسهیل بخشد با احترامات مهر بانانه مستر مورگان شوستر عرضیم \*

دوست صادق شما، س. پ. کلیوسکی کریل \*  
 \* \* \* \* \*

— (۵) مراسله، س. پ. کلیوسکی کریل به مستر شوستر \*—

طهران، سفارت روس \*

دوم، پنجم، ۱۹۱۱ (مطابق هشتم رمضان ۱۳۳۰)

مستز مورگان شوستر عزیزم: اکنون تلگرافی از طرف دولت متبوعه ام رسیده که سه روز قبل غایب شده بود \*

قبل از آنکه جوابی از مذاکرات شفاهی دو هفته قبل بدهم عرض میکنم که دولت متبوعه ام استفسار مشروعی از تشکیل و تعداد و محل اقامت و مأموریت ژاندارمری خزانه نموده و هم چگونگی وظایف و مشاغل هیئت مزبور و اینکه آیا ژاندارمری دیگری هم بجهت اصلاح سایر امور لازم خواهد شد با فقط منحصر به همین دسته ژاندارمری خزانه می باشد که امور معارفی ژاندارمری را با انضمام جمع آوری مالیات انجام دهد؛

نکته دیگر که توضیحش نیز لازم است اینست که در صورتیکه مأموریت ماژور استوکس پس از شش ماه بیخوب ایران تبدیل شود ریاست ژاندارمری نقاط شمالی هم با مشارالیه خواهد بود آیا این امر ممکن است که پس از انقضای شش ماه از افسران سویدی رئیس کل ژاندارمری معین بشود و ماژور استوکس فقط بصرف اسم در تحت ریاست افسر سویدی آنهام خارج از منطقه نفوذ روس خدمت نمایند و آیا ممکن است که این دو شرط جزء قرار داد مشارالیه ذکر شود؟

اختیار این شیء آیا از سایر حقوق انساب نخواهد بود که از اول یک نفر صاحب منصب درجه اعلا سویدی ریاست ژاندارمری خزانه مأمور شده و ماژور استوکس برای شش ماه در طهران بماند تا افسر سویدی را معاونت نماید با انضمام این شرط که پس از انقضای مدت مزبوره محل مأموریتش بتعلقه نفوذ انگلیس یا بی طرف تبدیل شود بدون تبیبه دولت ایران لازم است توضیح و اطمینانات کامله در چگونگی و «حدود اراضی» محل مأموریت و فعالیتهای ماژور استوکس بدهد بنظر شما آیا دولت ایران در این کار مستعد میباشد؟

بسیار ممنون و متشکر خواهم بود اگر در توضیح روشن و جامع فقرات مذکوره مرا معاونت نمایند تا بتوانم بدولت متبوعه خود اطلاع دهم. یقین دارم اصلاح و تصفیه

— ( ٦ ) سراسله جوانيد مستر شوستر به —

س . پا کليوسکی کز پل وزير مختار روس

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سوم سبتمبر ١٩١١ ( مطابق نهم رمضان ١٣٢٩ )

وزیر محترم من : مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی منوالات دولت متبوعه  
فان متعلق به اقدامات و ترقیيات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه  
تعریفاً دو هفته قبل ما را بدهد واصل گردیده \*

جواباً عرض میشود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع به امور مذکوره  
تا درجه که بنظرم میرسد اظهار میکنم \*

اما در فقره تشکیل و تعداد و وظائف ژاندارمری خزانه غرض عمده از این تشکیل  
چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است یا مداخلات صریحه ولی  
در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کنونی و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از  
تفقدانش اقبالاً و اصول مالیات در این مملکت ممنوع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان  
خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب معش اروهائی و امریکائی و از حیث  
عدد هم تصور میکنم از هر جهت شخصاً از دوازده تا پانزده هزار نفر لازم خواهد شد  
که با کمال درستی و صداقت و نظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهند اگر چه یقین  
دارم تا هجده ماه دیگر یا بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و اتال نخواهیم شد \*

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد  
رای مستقیم خودم اینست که با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون  
بصرفه نخواهد بود عمده خودم اینست که در اکثر مواقع فقط یک هیئت نظامی «بادسیپلین»  
منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکاات جنبش  
شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پولیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه  
شورش بدرجه سخت شود که توجه نوای نظامی را بطرف خود منعطف سازد \*

اما در فقره سوال شخصی خود شما در باب ماموریت ماژور استوکس عرض میکنم

که چون مشارالیه را برای ریاست کل ژانده از مرعی در تمام محلیت انتخاب نموده و قرار داد سه ساله هم با او بسته ام تحدید مقرر داشتن هیچ صاحب منحصی را فوق مازور، موصوف ندارم تا اینکه بتواند با کمال اطمینان خدمات خود را انجام دهد امور و مناسب اینکه باعث انتخاب او شده همان مناسبات باعث برقراریش به این خدمت میباشد تا آنکه خدماتش را با کمال اطمینان انجام دهد \*

محدود نمودن محل استخدام مازور استوکس هم به خارج از منطقه نفوذ روس چه در قرار دادش و چه بعنوان دیگر نظر بدلائلی که سابقاً اظهار نموده و یقین دارم دولت شما هم بخوبی آن را ملاحظه است قابل تأمل و مذاکره نیست \*

نصد ندارم دیگر را بجای مازور استوکس برای معارفت اول در انتظامات ژاندار سری خزانه انتخاب تمام زیرا که لیاقتهای مشارالیه با دلایل متفنه بقسمی مشهور است که محتاج به تکرار نیست مازور موصوف در تحت او امر شخصی من بوده هیچ مسلک و طریقه را بجز اجرای دستور العملهای شخصی من پیروی نخواهد نمود \*

اما در باب فقره ما قبل آخر مکتوب شما عقیده صاف و صریح من در این باب اینست که دولت ایران هیچگاه حاضر نمیشد اطمینانی در تحدید حدود ارضی و تعیین محل عملیات مازور استوکس بدهد در این صورت منم در این باب حاضر نخواهم بود قصد خودم اینست که خدمات مشارالیه را در تمام مملکت بقسمی جاری و جاری بدارم که در زمان مسئولیتهم برای اصلاحات مالیه بهترین طرق اصلاح باشد \*

وزیر محترم من : همیشه منی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله با کمال صداقت و یان دلی اظهار تمام و امید وارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت مؤثره صحیحی است برای تشکیل شغل مشکلی که به دست گرفته ام لازم نیست عرض بکنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کلی به تمام فواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید \*

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم . و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*  
( زر کده . خدمت . س . پاکبوسکی کریل وزیر مختار روس )



کریل وزیر مختار روس

طهران ۱ خزانة قاری کل دولت امپراطوری ایران \*

پنجم سبتمبر ۱۹۱۱ ( مطابق یازدهم رمضان ۱۳۲۹ )

وزیر محترم من : از قراریکه مطلع شده ام مذاکره مکتوب دو روز قبل شما بوضع غربی تأویل نموده و آنرا اختتام عمدی بجهت در معامله ، از روس استوکس تصور نموده اند اگر این قسم است اجازت می طلبم عرض کنم که هموخیالی اهدا در نتیجه منجم بطور قلموده و از مراسله دوم ماه جاری شما هیچگاه استنباط بحث در معامله مذکوره ننموده ام بلکه همان قسمیکه از ظاهر عباراتش مستفاد میشود تصور نمودم که فقط خواهش توضیح مفصل جامعی است که شما و دولت شما مایل به اطلاع از آن بوده ناپسوانند عبارات آیتده خود را بر طبق آن منظم کردانند و بهمین جهت بود که سعی کردم در جواب مراسله شما بیان جامع و واضح مساایل مصوبه دولت ایران را تشریح نمایم بسیار متأسف خواهم بود اگر در مضمون مکتوب جوابیه این جانب تصور ضروری فرموده یا آنکه نسبت بمن بدکن شود از ابدایی مذاکرات اصلیه در این باب منتفع بودم که شاید بتوانم دولت شما را از مشکلات امور این دولت و همچنین مشکلات امور خودم خصوصاً در همین فقره مطلع گردانم تا آنکه مایل بساواک مهربانانه و رفتار دوستانه شده اعتراضاتی را که در باب معاهده ، از روس استوکس تا بحال جاری داشته نرند نماید اگر چه مقصود اصلی از ملاقات دبروز با شما این بود که رأی جدید دولتتان را در این معامله استنباط نمایم ولی بعد چنانکه از مضمون مراسله شما ظاهر شد تصور می نمایم شاید قبل از آنکه اطلاعات صحیحیه و مفصله پیش از آنکه اظهار شده و امیدوار بودم از جواب این جانب استنباط کرده تحصیل نمایند راضی به اظهار و مساک حاضر در تشریح مفاسد آئینه دولت خود نباشید \*

بسیار مایل که بزودی شما را ملاقات کنم خصوصاً در صورتیکه از مضمون کاغذ من شبهه و تردیدی در خیال شما راه یافته باشد کوشش میکنم که فردا ساعت سه بعد از ظهر چهارمید رای شما زحمت نیاتند بزرگکنده بیایم خواهش مندم مناسبت و مساعدت وقت مزبور را التفات فرموده به کرفل بدو اطلاع دهید مشارالیه هر قسم و بهر وسیله که باشد به اینجانب اطلاع خواهد داد با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من \*

دعوت بسیار صادق شما و مورگان شوستر ، خزانه دار کل ایران \*

( زرگنده ، خدمت عالیجناب س . باکابوسکی کریل وزیر مختار روس ) \*



— (۳۸) مرامله جوانیه مستر موسی به ۰ من ۰ پاکلیوسکی کزیل —

لهران ۰ خزانه داری گل دولت امر اطوری ایران \*

سوم سپتمبر ۱۹۱۱ (نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم: (۱) مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوهه نان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل ما را بدهید واصل گردید \*

جواباً عرض می شود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع با مورد مذکور تا درجه که بنظر می رسد اظهار میکنم \*

اما در فقره تشکیل و تعداد وظایف ژاندارمری خزانه غرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کل و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش اتلاً وصول مالیات در این مملکت ممنوع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب متش ار و یائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا یازده هزار لازم خواهد شد که تا کمال درستی و صداقت وظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهند اگر چه یقین دارم تا هیچده ماه دیگر یا پیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و بایل نخواهیم شد \*

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد رأی مستقیم خودم اینست که با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون بصرفه نخواهد بود عقیده خودم این است که در اکثر مواقع فقط یک هیئت نظامی با «دسپلین» منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکاات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پلیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه توای نظامی را بطرف خود نامعطف سازد و در خصوص سئوالات شخص خودتان همین قدر عرض میکنم که امیدوارم بزودی شما را ملاقات نموده و سعی خواهم کرد در آن ملاقات تا اندازه که مطلع میشم توضیح دهم \*

تقریر محترم من: همیشه سعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله

(۱) این کاغذ عوض کاغذ سوم سپتمبر فرستاده شد تا بجای آن بگذارند \*

یعنی در دفتر رسمی معارف است و ضبط نمایند \*

با کمال صداقت و پاکدستی اظهار تمام امیدوارم از بیان قوی دولت به اعلان عطف خواهد نمود که فرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت مؤثره صحیحی است برای تشکیل شغل مشکلی که بدست گرفته ام لازم نیست عرض کنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منتفعت کلی به تمام فواید و اغراض برهمنای داخلی و خارجی هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید \*

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من

و مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران \*

زرکننده . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس \*

-----

— ( ۹ ) — مراسله مستر شوستر به س . پاکلیوسکی کریل \*

\* وزیر مختار روس \*

تهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سیزدهم سپتامبر ۱۹۱۱ ( مطابق نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ )

وزیر مختار بسیار محترم من : با کمال مسرت و خوشوقتی اطلاع میدهم که در پانزدهم ماه قبل از کرائل بدوژ نماینده ( کماتی ) مسرز سلیمان و برادران درخواست فرجه چهار میلیون لیره انگلیسی نموده ام مواد آن در جوف است اکنون بحیثیت و همراهی دولت متبوعه و نمود شخصی خود تمایز امیدوار و طالبم تا باطمینان تمام تصفیه پذیرد \*

با تقدیم احترامات کامله دوست صادق شما

و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

( خدمت جناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار )

-----

— ( ۱۰ ) — مراسله مستر شوستر به وزیر مختار روس \*

تهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سیزدهم سپتامبر ۱۹۱۱ ( نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ )

وزیر محترم من . ممکنست ایشفاد تمام که آیا از طرف دولت خود مختار میباشد

در دادن اطلاع نتیجه مذاکرات با افسر جمع و استخدام مارور استوکس چون از

تعویق هر روز در اسرار سفارتی بر یکی از شعب کارم ابروده می شود زحمت دادم \*

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من . دوست بسیار صادق شما

و مورگان شوستر خزانه دار کلی ایران \*

( طهران . خدمت جناب س . یا کلیوسکی کرمل وزیر مختار روس . )



— ( ۱۱ ) مراسمه جوابیه سفارت روس به مستر شوستر \* —

طهران . سفارت خانه روس \*

شانزدهم سپتمبر ۱۹۱۱ ( بیست و دوم رمضان ۱۳۲۹ )

مستر مورگان شوستر محترم من : هنوز از دولت متبوعه خود چیزی در فتره استخدام مازور استوکس نشنیده و منتظر جواب آن میباشم شاید علت تاخیر جواب خارج شدن امیر اطور از بطرس بزرگ بوده باشد \*

بجز اینکه تاکنون برسد دقیقه در اطلاع بشما تاخیر و تزییع وقت نخواهم نمود \*

با تقدیم احترامات دوستانه . دوست صادق شما

س . یا کلیوسکی کرمل \*



— ( ۱۲ ) مراسمه سفارت روس به مستر شوستر \* —

طهران . سفارتخانه روس \*

پانزدهم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و یکم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : ترتیب جدیدی که در مسئله استخدام مازور استوکس در مذاکرات سابقه اظهار نموده بودید بدولت متبوعه خود پیشنهاد نمودم اکنون جواب آن بضمون (۱) ذیل رسیده است که چون متأسفانه از سوء اتفاق معلوم میشود که تجدید محل تغل مازور استوکس بجنوب ممکن نیست لهذا دولت من مجبور است که برخلاف ماوریت صاحب منصب مذکور بر یاست راندار صری مالیه ایران « پروتست » تعرض نماید \*

مرا دوست صادق خود بدانید س . یا کلیوسکی کرمل \*



— ( ۱۳ ) مراسمه وزیر مختار روس مستر شوستر \* —

(۱) این آخرین انکار روس بود از پس گرفتن اعتراض خود درباره استخدام

مازور استوکس \* تا آن زمان با سفارتین روس و انگلیس مشغول مراسمه بودم که بشروط مخصوصه آنها را بخدمات بسیار مهم مازور استوکس بسمیکه منافی با شناختن منطقه های نمود هم نباشد راضی نمایم \*

دهم ژانویه ۱۹۱۴ ( مطابق نوروز ۱۳۳۰ ) شخصی است مستر شوستر  
 عزیزم : از مرادله عبر بانابه که خیلی مؤثر واقع شده حال تشکر حاصل گشت ۵۰۰۰۰  
 همواره از تجدید یاد ملاقات شخصی بسیار پسندیده و دلنشین شهادت آورنده مسرور  
 خواهم بود . . . . .  
 با تقدیم بهترین آرزوی سعادت سفر شما مستر شوستر عزیزم :  
 دوست بسیار صادق شما . س . پاکلیوسکی گزیل \*



( سوم )

« جوان قرار داد این خزانه دار کل ایران » \*  
 \* و مازور س . ب . استوکس \*

بیست و چهارم رویه ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹ )

مابین س . ب . مازورگان شوستر نماینده با اقتدار و خزانه دار کل دولت ایران و مازور  
 س . ب . استوکس رعیت انگلیس و مستخدم سابق روح هند ساکن شهر طهران قرار  
 داری مطابق اصول ذیاب منعقد و بنام « ریبند » \*

« ۱ » بوجب اختیاراتیکه که از طرف دولت شاهنشاهی ایران بموجب قانون مصوبه  
 بیست و سوم جوزای ۱۳۲۹ مجلس به خزانة دار کل ایران تفویض شده مجاز و مختار  
 میباشد در تشکیل هیئت نظامی مخصوصی برای نظارت « و امداد در وصول » مالیه و  
 همچنین در بستن معاهدات با معاونین مالیه که جر و هشت مخصوصه فاطره باشند با تصویب  
 مجلس و نیز بوجب اختیاریکه بر حسب قوانین بعد از طرف مجلس بخرانه دار کل داده  
 شده مجاز خواهد بود در قرار داد پانصد اروااتی که مقیم ایرانست بجهت استخدام  
 مشارالیه بعنوان معاونت خزانه دار کل در شعبه تنظیم راندار مری خزانه شروط این  
 قرارداد کلیه مطابق شروط قرار دادهای سایر معاونین مالیه و خزانة دار کل میباشد \*

« ۳ » دولت امپراطوری ایران بموجب این قرارداد مازور س . پ . استوکس را  
بأعور و مستخدم میگرداند بشغل معاونت خزانه دار کل خصوصاً در تنظیم و ترتیب اداره  
ژاندارمری خزانه مدت سه سال کامل از ابتدای تاریخ این قرارداد \*

« ۳ » دولت شاهنشاهی ایران بموجب این قرارداد متعهد و متقبل می شود تأدیبه  
مبلغ پنجهزار «دالر» مسکه رایجه بمالك متحده امریکایا معادل قیمت آن را به لیبره انگلیسی  
یکسالانه بدوازده قسط در آخر هر ماه بعنوان معاونت مالیه بمازور استوکس موصوفه بدهد  
« ۴ » مازور استوکس تمام مقبول این قرارداد را که ذکر شده و میشود متقبل و  
متعهد است که در تمام امتداد مدت این قرارداد عموم ترخیص خود را بعنوان معاونت  
مالیه خزانه دار کل یا کمال صداقت و درستی و داشتن اعتمادات بمواجب مزبور انجام دهد  
« ۵ » مازور مزبور در انجام ترخیص مستفیده میش از احکام و قوانین خزانه دار کل  
ایران تمکین و اطاعت خواهد نمود \*

« ۶ » در صورتیکه از مازور مشارالیه در ادای تکالیف و وظایفش راجع به تمکین  
و انقیاد از دستور العمل و قوانین مزبوره عملی و مسامحه بروز نماید دولت شاهنشاهی  
ایران حق خواهد داشت پس از اظهار خزانه دار کل مشارالیه را از خدمتش منفصل  
و این قرارداد را بدون تأدیبه حهرق شش ماه نسخ نماید \*

« ۷ » در صورتیکه مازور استوکس قبلاً از انقضای مدت این قرارداد بطیب  
خاطر مستعفی شود حقوق و اجرتش بقدر انجام خدمتش خواهد بود \*

« ۸ » بموجب این قرارداد مازور استوکس متعهد است که در امور مذهبی و سیاسی  
سلطنتی ایران هیچ وجه مداخله نکند مگر آنچه که اجرای وظایف حقه اش او را  
مجاز بدارد \*

« ۹ » بر حسب این قرارداد مازور استوکس متعهد میشود که در تمام مدت  
استخدامش بهترین مساعی و مجدترین کوششهای خود را در تعمیر مالیات و از دباد  
عایدات دولت شاهنشاهی ایران بکار برده آبادی و ترقی مملکت و بهبودی و ترفیه حال  
ملت و شرف و احترام دولت ایران را در دایره فعالیت خود مطابق قانون کاهلاً پیشتمام  
و وجه مهمت خود سازد \*



— «نظری مستر ۰ ۵ ق ۰ ب بیخ عضو کمیته» —

\*( انجمن ) ایرانیان لندن \*

در دعوت شامیکه از طرف اعضاء انجمن مزبور به اعزاز ۱ و ۰ مورگان دوستر در «سوی هتل» لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق هشتم صفر ۱۳۳۰) داده شد

\*( معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قابل توجه دولت انگلیس است ) \*

رئیس مجلس ۱ مستر بیخ مزبور خانم ما آقایان اکتون جام سلامتی مهرا امشب خود مستر مورگان شوستر را بعه تکلیف می‌کنم کمیته ایران در استقبال مستر شوستر و دعوت از این هیئت محترمه برای ملاقات با ایشان مسلکی اختیار کرده که بکلی مطابق عقاید سابقه اش میباشد از همان ابتدا که این کار دقیق بسیار مشکل بستر مورگان شوستر سپرده شد نظر بچونیکه در راه پیشرفت ما موریت و انجام وظایفش انداخته میشد مشارالیه همواره طرف حمایت و بوجه ما بوده است همچون تصور می‌نمایم در تابستان گذشته بود که خدمت وزیر خارجه رفته و ماهیت موانع مزبوره را به ایشان اظهار و حققتشرا تشریح و توضیح نمودیم و از جناب ایشان رفع آن موانع را تا درجه که ممکن است استدعا کردیم بسیار مایل رانی را که در هفتم نوامبر گذشته در مجلس و کالای عمومی در موقیبه که عدد نمایندگان کامل بود متفقاً اعضاء نموده خدمت وزیر خارجه فرستادیم برای شایخو نام زیر رأی مرور تشریح و مدلل می‌کنند نقطه نظر و مسلک مطابق قانون و معمول اعضاء کمیته ایران را که در نظر داشتیم . . . . ( نظر با اهمیت و نواید این مملکت ) باید مالیات ایران بر بنیاد صحیحی گذارده شود تا بدان وسيله بتواند قادر بر اصلاحات لازمه ادارات به انضمام تسهیل و ساینل و تأمین عبور و مرور در آن مملکت بشود \*

« نظر به اینکه مستر مورگان شوستر از حیث خزانة دار کل با کفایت و با تجربه بودن خود را در نظم و اصلاح امور مالیه ثابت گردانیده این «میتینگ» (جمع) اعضاء کمیته توجه کامل دولت اعلیحضرت ( انگلیس ) را بطرف مشکلاتی که دولت روس در راه پیشرفت مدای مستر شوستر در اصلاح امور مالیه ایران افکنده است معطوف ساخته حمایت خود را از مشارالیه در هر اقدامیکه دولت اعلیحضرت به نام یکی از اعضاء

کنندگان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس مناسب بدانند تقدیم مینمائیم \*  
 این بود رأی مزبور و من بسیار متأسفراً از پذیرائی بسیار خنکی که در ماه نومبر از  
 آن رأی کرده شد البته بحسب آنکه مواظب چربش بود ایران بوده خواهند دانست که  
 پس از پیشنهاد این رأی نه آنکه مصلحه روس اولادمانوهای خود را به ایران فرستاده و  
 در اولتپاتوم دوم عزل مستر شوستر را خواستگار شد تا اکنون هنوز نتوانسته ام از  
 ماخذ صحیحی که دولت روس بوجوب آن انفصال مشارالیه را خواست مطلع شوم تصور  
 میکنم باید در پارلمان «انگلیس» ر این نکته پسندیده و برنو گامی «نظر عمیقی» انعکاس  
 شود از همه گذشته چیزی که بسیار نا ملازم و نا پسند است همان مسأله است که دولت  
 ما نسبت به مستر شوستر اختیار کرده است «شنوید! شنوید!» مراد واردگری ساهیت  
 و حقیقت آن مسلک را در مذاکراتی که در جاسه چهاردهم دسمبر مجلس وکلای عمومی  
 واقع شده بود در ضمن مذاکره حالات جدیده ایران اظهار داشت حلی ما بمل اظهار  
 مذکور را برای حضار تذکار کنیم ایشان میفرمایند «تقاضای عزل دولت روس انفصال  
 مستر شوستر است از مستشاری ما بیه ایران - تعرضی به این تقاضا نمیتوانیم نمود علت  
 آن را هم به پارلمان توضیح خواهیم داد جدیدی قبل تلگرافاً مطلع شدم که مستر شوستر سه  
 نفر از وعاپای دولت انگلیس را بعنوان صاحب منصب خزانه به خدمات بزرگی ما مورگردانید  
 اگر چه لیاقت و حسن نیت مستر شوستر محل شبهه نیست ولی این نکته را هم باید در  
 نظر داشت که مقصد و معاد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را بواسطه افعال يك نفر  
 نمیتوان فاسد و درهم و برهم نمود و او مبتدای آن افعال بر صحت و حسن نیت هم باشد  
 اگر چه هر نصیحت و خیر خواهی که در اجتناب از این امر توانستیم به اسرع و سالی نمودم  
 ولی در صورتیکه آن آراء مفید واقع نشد البته به حمایت مستر شوستر قادر نبودم اگر  
 از مشارالیه حمایت کرده بودم (توجه حواظر عموم را به این استدلال منعطف مینسازم)  
 اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم گویا از تصویب نمودن مستر شوستر و سترافسران انگلیسی  
 را در مظنه نفع و روس تقویت نموده و در این صورت معاد و مقصد معاهده ۱۹۰۷

انگلیس و روس را نقض کرده و دم \* ۳

خام ها آقایان - اکنون باید این نکته را خاطر داشت که احتیاج این هیئت نه  
 برای جمله پرورد و پر حرحه است بلکه اساری ارم ایشان را محترم میدانم با کمال  
 اطمینان میگویم که در هیچ صورت همواره من (جمله پرورد پرورد) همه نه در اظهارات

محمود و نه در بیانات سایر ناطقین نخواهد بود \*

ابتداءً میخواهم قسمتی از آن بیانات اطمینان بخش (جناب سر ادورد گری) را ذکر کنم. وزیر خارجه ما از طرف دولت اعلیحضرت بکفایت و حسن نیت مستر شوستر احترام میباید پس ملاحظه فرمائید که کار دانی و شخصانیت مستر شوستر هیچ عمل تأمل نیست مسئله را که باید امتیاز استنبیح یعنی لکشمه را که سزاوار است مجامع بر رکن در خارج از این محوطه بسنجند اینست که آیا مستر شوستر حقیقتاً مفاد و منشاء معاهده انگلیس و روس را نقض کرده است زیرا که از نقض ظاهر عبارات آن عهد نامه گفتگویی در بین نیست \*

در هر صورت تاریخی را که وزیر خارجه ما نسبت نقض مفاد و مفهوم این معاهده را به مستر شوستر داده اند درست بقواطع ندارم اگر هم بطرجه اشم ایشان میتوانند اصلاح کنند که وقتی که مستر شوستر شروع به اصلاحات اداره خزانه ایران نمود بوریر مختار مقیم طهران ما متوسل گشت و از وزیر خارجه ما استفسار نمود که آیا در ماوریت ماژور استوکس بر رأست زائد امری خزانه اعتراضی خواهند داشت \*

بی شبهه ماژور استوکس رعیت انگلیس است و در اینجا بود در سوال ایرادیم با اجرای وظایف خود به پردازد و آن مسئله جاری هم نبود که هر کسی پوشیده و پنهان باشد \* جوانی که به مستر شوستر داده شده بدین معنون بود که وزارت خارجه ما در ماوریت مشارالیه ابتدا عدلی تصور نمیکند پس آن تغییر از چه وقت و به کدام سبب در مسنک وزیر خارجه ما راه یافت و کی به این نتیجه آخری منقل شدند که رعیت بودن انگلیس مانع از استفاده در ادارات کشوری شمایی ایران میباشد در این موقع سوال دیگری هست که باید قدری بدان توجه نمود اگر این سوال از خود من بشود که «مستر شوستر آیا در تعیین ماورین بشال ایران مخالفتی با مفاد معاهده انگلیس و روس نموده؟» هر باصلاح کاملی که از معاهده سرپوره دارم و چون اظهار آن مسالت از طرف دولت اعلیحضرت بوده با کمال حرمت جواب خواهم گفت که در مفاد عهد نامه جاری نیست که تأیید و سمایی از این اعتراض نماید (نعمه) چند روز قبل بیان بسیار مطبوع و پسندیده از مفاد و مفهوم همین معاهده آنهم از شخص مسل سر جارج بوکانن (Bartholomew) Sir George) سدر کبیر انگلیس در پترسبرگ شنیده شد که در اتنای اخطی بلج خود در موضوع اتقای انگلیس و روس همچو اظهار نمود که «با امید دارم این اتحاد



انگلیس و روس در امرای قلوب هر دو ملت ریشه خواهد دوآیند. اتحادات معنویه بین مال مربوط به امور پلیسی نیست بلکه ناشی از احساسات دوستانه و اعتماد و همدردی است که مال مختلفه را بطرف یکدیگر جذب و متمایل مینماید. پس باید اتحاد خودمان را بر این بنیاد استوار بداریم تا هیچ امری باعث تزلزل آن نشود. به عقیده خودم همه می توانیم با ظاهر عبارت سفیر کبیر خود اتفاق نمائیم (بشنوید، بشنوید) و آن را مانند سند معمولی به بندگانیم که بعد اجراء و نفوذ معاهده انگلیس و روس باشد. پس از خودمان سؤال میکنیم و قیاس میکنیم. من شوسنر آن سه نفر رعیت انگلیس را (بخدمات خزانة ایران) مامور نمود آیا مفهوم و مفاد آن معاهده را که سفیر کبیر انگلیس تجبید و وزیر اعلی حضرت در باران توضیح و حمایت از آن کرده بود نقض کرده است یعنی مفاد همان اتحالی و اتحادی را که بین بریطانیای کبری و روسیه جانشین رقابت و سوء ظن سابق گردیده بود. من شوسنر واقعا چه کرده. سه نفر رعایای انگلیس را به عمل مختصر اداره عراق ایران در سه شهر مأمور گردانید یعنی در تبریز و اصفهان و غیر از آنها تبریز که با سرحد روس از نزدیک ترین نقاط و قسمت میل فاصله دارد و محل نزول تجارت بزرگ انگلیس است. به نقاط شمالی ایران و اصفهان که چند صد میل از سرحد روس دور است نیز در آنها البته دو شاه راه معتبر تجاری انگلیس به خلیج فارس واقع است و شیراز هم در نقطه واقع است که عمده آن جزه خطه خلیج پشمار است. پس در موقعیکه مستر شوسنر آن سه نفر را ب سه نقطه مختلفه بخدمت مختصر مأمور گردانید چه کوفه میتواندست بداند که با منشاه و مفاد معاهده انگلیس و روس مخالفت نموده است. (نهر) خانها آقاخان باید قدری در این معاهده بدقت ملاحظه نمود. منطقه روس چنانکه در معاهده انگلیس و روس معین و رسم شده منطقه است برای جاب منابع و اخراض تجاری و هیچ اویاطی (مناطی) با تعیین مأمورین در ادارات کشوری ندادند تصور بهر حال اگر این قاعده را جاری و عمل بداریم که دولت ایران حق ندادند همیت از ارباب انگلیس و در منطقه نفوذ روس مأمور گرداند معنیش چه خواهد بود. معنیش اینستکه در خطه که وسعتش زفراتر است پشمار میباشد و بی تحت و تمام ترهای رنگ معروف بزرگ در آن واقع است. اگر اتفاقا در تمام آن خطه وسیعه بی از رعایای انگلیس باشد همه حقیقت رسی انگلیس مانع کاملی بجهت استخدامش در ادارات کشوری دولت ایران خواهد بود (نرم) حاتم آقاخان مرشد امرائید یکی از آنها را بران رده بجهت در پی از حدمات کشوری دولت

ایران داخل شود و جواب بشنود که «معلی نیست و خواستش شما را نمیتوان پذیرفت» در صورتیکه اصرار بکند جواب بشنود «با کمال میل که به استخدام شما داریم متأسفانه موانع حندی در پیش است» چنانچه پیش از آن مبالغه کند آبا دولت ایران میتواند «همچو جوابی بدهد که «بسیار خوب شما را سفارت روس رجوع خواهیم کرد»؟! (خنده) در صورتی هم که سفارت روس بروی جواب معلوم نیست چه خواهد بود؟! همین دارم بطرز خوشی جواب خواهند گفت که چون دو دولت بزرگ یعنی دو انجمن انگلیس و روس برای اندام و اتحاد با هم معاهده را امضا نموده اند به این جهت شما که یکی از رعایای دولت انگلیس هستید در هیچیک از نقاطیکه به سرحدات روس نزدیک است نمیتوانید مستقدم شوید. آنهم در خطه که وسعتش بیشتر از تمام مملکت فرانسه است؟! (خنده) و لازم است که امید استخدام خود را به روس و آلمان و ایتالیا و بلژیک و سوئد و یکنذاریم همه ایشان پس رعایای هر دولتی بخوشی و طیب خاطر پذیرفته میشوند ولی در این عهد همچون جدید بواسطه اطمینانیکه انگلیس و روس نسبت به یکدیگر دارند باید رعایای انگلیس از این حق هم محروم و بی بهره شوند (نعره خنده) \*

اکنون میخواهم قلوب شما را به طرف نکته دیگر متوجه سازم که چه علل و وسایل باعث جلب مستر توسلتر به ایران گردید زیرا که از اصل قضیه بخوبی مطلع و مستفهم از استعمال این کلمات مختصره که «چه علل و وسایل باعث جلب مستر توسلتر به ایران گردید» معذرت میخواهم اوایل سنه ۱۹۰۹ (میلادی) اهالی ایران چون دیدند حکومت در دست سلاطینی که از خانواده ترکمانان بوده به پریشانی بدی دچار و بحالت سختی افتاده و بر حسب گفته خودشان بواسطه استغراضهای بسیار سنگین مملکت شانرا به اجاب میفرخواستند مصمم شدند که آن پریشانیها را خاتمه داده و خیالات مغرب زمینان را بشرد و مقام خود را ساحت روح تازه در قالب مملکتشان بدهند در زویه ۱۹۰۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ بدون خوتری آن انقلابات خاتمه یافت نتیجه اش این شد که محمد علی شاه آن زمان مجبور به تحصن در سفارت روس و بیک سلطنت مشروطه منظمی بجایش حکم فرما کردید یا بعبارت اخری حکومت مشروطه که در سابق بود معاودت نمود \*

ولی دولت جدید مصادف با ایالات و پریشانیهای حادی گردید ملت ایران از چند صد سال قبل در تحت فشار استبداد مطابق زندگانی کرده بود همان استبدادیکه عناصر حیات ملی را درهم شکسته و جوانان ایرانی را از مسافرت به «اروپا» منع میکرد و اگر

کمی دم از قابلیت و استقلال با آزادی میرد او را معدوم یا تبعیدش میگرداند آن مملکت سرزمینی بود که مدت های متداویه چشمه آبی زیر پاشنه غلبه مستبدین با مجال و نرم شده بود همان مستبدانیکه در هر مرز و بوم قدم گذارند تخم زندگانی ملی بسیار دیر روئیده و بارور میشود در هیچ مملکتی بود که ملت ایران میخواست طرز رفتار جدید و منظم مطابق قانون برای خود اختیار کند چون این نکته را هم ملتفت شده بودند که قانون نمیتواند نظم کامل و قانون را در مملکت خود جاری و ساری بداند با یکدیگر میکنند ( ماوم بخت گفتارشان معترم ) « باید به ممالک مغربی رفته دروس ابتدائیه خود را در نظم و اصلاح ادارات کشوری تکمیل نموده و باید مردمانی را بدست آورد که اداراتمان را منظم و خبطه جدیدی از صاحبان مصبان ایرانی را تربیت نمایند » \*

حائما آقایان ایرانیان در خیالات و جلب منافع خود فقط متابعت از ذاهونیا مینمودند چنانکه ذاهونیان مستشاران اجنبیه یعنی مغرب زمین را جلب نمودند تا دروس مغرب زمینیان را « ایشان بیاموزند در این مجمع آیا کسی هست که بطرف ذاهونیان سنگ بندازد ( یعنی ایشان را ملامت نماید ) » \*

بر حال اولین امر مهی که اصلاح آن را در نظر داشتند اصلاح همین مالیه بود تصویری کتم اول و هله بجهت اصلاح این امر بزرگ به فرانسه رجوع نمودند در آن زمان مسیو پیشون ( M. Pichon ) وزیر خارجه فرانسه بود متسارالیه بسیار مایل بود که هیتی را برای اصلاح مالیه ایران اعزام نماید ولی از طرف « دیپلوماسی » روس معیم باورس بقدری اشکال تراثی شده که کلیه اصل خیال را فاسد نمود بعد از آن بجهت نظم زاندار صری خود تنان از ایتالیا خواهش نمودند آن خواهششان تیرنی نتیجه ماند سپس مدبرین ایرانی بدین امید که شاید اشکال تراشیمای مزبوره نسبت به مالک متخده امریکا مؤثر نشود از رئیس جمهوری آمریکا خواهش معاودت نمودند متسارالیه هم مستر مورگان تومستر را انتخاب نمود « نره » این بود سنت اصلیه مأموریت مستر تومستر بایران لیکن چند کلمه هم باید راجع ستفصائیشان بیان کنم میگویند مستر تومستر در تقض معاهده انگلیس و روس و ختی نمودن آن کوتاهی نموده است ولی تصور میکنم این نسبت بکلی برخلاف حقیقت و واقع است تا بستان گذشته را با اینکه همه میدانند که چه تا بستان کروی بود بدبختانه مجبور به اقامت در آمدن شده تمام دو ماه اوت و سپتمبر را همین جا ماندیم و بوسه بوسط انگراف در باره تعمیر خط آهن ایران با مستر تومستر مشغول

تأکد و تقاضای بودم. مشارالیه همواره سعی بود که امتداد و نه آهن دولت ایران را با مواد معاهده انگلیس و روس تطبیق نماید. بلکه از این تریچه هم بیشتر رفته معمم بود نفوذ خود را نسبت به نیکس و بلسان بکار برده تا بتواند ایشان را قبول شرکت انگلیس و روس در تعمیر راه آهن در منطقه های تجارتي که در معاهده معین شده واجب گرداند. مستر شوستر تا حدیکه مدلول آن عهد نامه واضح و مسلم عند الصوم بود خود را دوست و حامی پررنگ آن ثابت کرد. ایند \*

بسی در این صورت علت اصلی انفصال ایشان چه بوده؟ میتوان علت اصلی عزل را به يك جمله مختصر اداء نمود ولی این جمله از منشآت خودم نیست بلکه از مکتوب یکی از هموطنانم که در ایران اقامت دارد و چند روز قبل رسیده اخذ نموده ام. مشارالیه در صورتیکه که طرف داور حزب منی است و به حامی مرده دیکورات علت عزل مستر شوستر را چنین اطلاع داد \*

«شغل مستر شوستر از همان ابتدا مخراب شدنی بود زیرا معنی ترفیه و آسایش ایرانیان ضعف حکومت و نگرانی روس است در آن مملکت» \*

خاتما آقایان در خاتمه نطق خود مشوال میگویم که غرض از این دعوت چه و آنچه ما را از حضور در این مجامع منع نماید چیست؟ این مطلب محتاج باظهار ندارد که محرک اصلی این اجتماع هیچگونه مخالفتی با روس نیست و غالب ما با بعقیده خودم ملت روس را دوست میداریم اگر ممکن بود ارواح جلیله تصورات و خیالات ادبیه روسی مانند «تولستای ها» (Tolstays) و «تورگنیف ها» (Tourgenieffs) و دیگران (۱) را که این میر حاضر فآیم همه را حامی و طرفدار خود می یانیم (مرده) بخراید «لیبرال» روسی در همین زمان حاضر «ارتیکل» هائی راجع به معاملات ایران مینویسند که اگر ترجمه شود «تلی ملاقاتی است که در سنوهای روزنامه های (دیلی بیوز) و «مانچستر گاردن» درج شده نمایندگان حرب بر روس در تقریراتشان در «دومای» روس راجع بطایع قوای سیاسی (به نقد در مملکت روسیه بلکه در تمام اقطار عالم) یحیی مبالغه کرده که از اتعاق یا مهمانان انگلیس او این حیثیت که در محویت و اصمحلالات مات قدیمه ایران یا دولت روس شرکت نموده انکار و رد کرده اند \*

(۱) تولستای فیلسوف معروف روسیه بود که دارای مسلک دنیوگراسی و حامی رنج

بران بوده و تورگنیف نیز یکی از ادبای نامی قدیمه آن مملکت بشمارست \* مترجم

بعضی اوقات تنیده میشود اعضای کمیته ایران مصمم فسخ نمودن معاهده انگلیس و روس شده اند این دروغ عمده است که حاکی از بد نفسی گویندگان آن میباشد ما تحریم و نقض معاهده منبره را طالب و خواستار میباشیم بلکه عکس آن با کمال صداقت در تکلیف و تعویض حاضریم (نعره) در صورتیکه مقصود ما هیچگاه مخالفت با روس و نقض مواد آن عهد نامه نبوده چنانچه موثرتیم مفاد و مفولول مسلمت را محذور نمائیم. حضور ما در اینجا اولاً برای اینست که از خود مسرت و مسرتخیریات و بیان واقع اشکالاتیکه واجیع به ایران است شنیده و بدانیم که بعقیده ایشان ایرانیان ناچه درجه قابل تکمیل موجبات حیات ملی خود میباشد در صورتیکه دو همسایه قوی مجال حرکت دادن دست و کتیدن نفس به ایشان بدهند ولی مقصود دوم ما شاید قدری شخصی باشد و آن اظهار مطلوبیت عزم محکم و پسنیدگی همت عالی مسرتخوستراست که خدمتانش را در ایران ممتاز ساخت و نیز اظهار همدردی با خود ایشان است در پیش آمد های ناگواریکه خدماتش را قبل از انجام یافتن خاتمه داد امیدواریم بوسیله این اظهار همدردی پسنیدله تردداتیکه در دل هموطنان ساکن ماوراء دریای «انلانٹیکه» راه یافته دوا نمائیم نظر بحسن عقاید و خیالات ملت انگلیس نسبت به آن شخص محترم اتار و فو و بسابست مفاصدیکه در دل داریم خواهشمندیم همگی جامهای خود را بلند نموده سلامی مسرت مورگان مسرترا طلب نمائید \*



و

— «سواد دو» آرنیکل «روز نامه «پیشن» مطبوعه لندن که در \*

— «هم دسمبر ۱۹۱۱ (مطابق مقدمه و پیچیده ۱۳۲۹) انعامه یافت \*

(اول)

— «آزادی مقصود شده» ایران \*

دو هفته قبل ستاع امیدواری مختصری بقدر یکله فیه بحالات ایران برتوافکنده بود ایران فی الواقع تحت تهدید محاصره روس واقع شده از طرف «لرد کرزن» برای

خطرات مسلک انگلستان عدوی پیش نهاد شد که علاوه بر زمین و ناظر بودنش غیر  
 منافع هر کسی بوده ایرانیان خود را بر جسم و مروت ما حواله نمودند خدمات مستقیم و  
 مساعدتهای پسندیده سیاسی از طرف ما نظر به مال اندیشی با اظهار همدردی نسبت با  
 ایشان تقدیم شد. اگر وزارت خارجه ما مایل بود که در معاملات خود با شریک لغزنده  
 و بدفیش به جوانردی رفتار کند و اگر دلهای مدیرین روس مختصر اعتنا و توجیبی به  
 ممنون گردانیدن شریک بسیار حلیم شان راه یافته بود این حمله بران مملکت فوراً منع  
 می شد و الاً ایرانیان خاضع و خاشع مملکت خود را سالم نگاه میداشتند ما می پرسیم که  
 این امیدواران پیاخته باید روسها خود را بسیار مودبی و بی رحم ناپشت نمودند و بعد و تمای  
 ایران و خواهاش و توسطهای ما ایداً کوشش نمیدهند افواج ایشان بی دربی اطراف طهران  
 پیش می رود و پهلوهای ایشان آخر کار اعتراف می نماید فاسد گردانیدن تا ابدالعصر این  
 اوضاع را که ایران دولت شاهنشاهی مستقل بود اگر چه قطعی شدن این امر بی اشکال نخواهد  
 بود ولی سر ادوارد کری در نطق و روز در تنبیه مسلک خود را واضح و مشروح تر از  
 سابق بیان نمود یک حمله مختصری هم در عبارات ایشان دیده میشود که بتوان توهین  
 خفیفی نسبت به حرکات و اقدامات روس تعبیر نمود و به یک کلمه که مداخلات کامله  
 روس را محدود سازد و نه اشاره بغیر مطبوع بودن رد کردن روس آرائی را که علی  
 الظاهر معتدلان داده شده بود و نه یک فقره که ایرانیان را معاونت نماید در محسوط داشتن  
 مقدار غلبی از ثروت ملی خود بلکه از همه بدتر است که سر ادوارد کری نه فقط در  
 حمایت عجائی از حرکات جار به روس از مسلک خود خارج شده بلکه عامداً اختیار  
 کرده است توسیع سرزمینهای معاهده انگلیس و روس را که بنیاد تمام مظالم روس میباشد  
 مذمومی که از صریح عبارات آن معاهده مترشح است اینست که ایران را تقسیم میکنند به  
 منطقه های اقتصادی (تجارتی) که هر یک از آن دو دولت متعهدند ترک مخالفت یا  
 جلب امتیازات دولت دیگر را در حدود و منطقه آن دولت ما هیچگاه این قرار داد را  
 با استقلال و آزادی ایران مناسب نخواهیم بداشت و همیشه در مباحث خود گفته ایم  
 که آن تقسیم را بواسطه حمایت یا بی اعتنائی به اصول عهد نامه به تقسیم پلیتیکی توسعه  
 داده و یا خواهند داد . . .

آخر کار سر ادوارد کری برای اظهار حقیقت اعراض نمود که هر یکی از آن دو  
 دولت در منطقه خود نفوذ انحصار داده با نهایت جلالی کلمه "ایکی را در آن عهد نامه



مأخوذ گرداند پس شاهنشاهی در مملکت خود خاتمه پذیرفته است این مسئله نسیب اصلی لشکر کشی روس بدان مملکت گردید اما بهانه «حارثی داشتن روس پیش قدمی خود را پس از آنکه دولت ایران مطابق رأی و صلاح دید دولت انگلیس معذرت خواست و برای قبول مطالب جدید روس که یقیناً سر احوار دگری در قبول آن نیز رأی داده بود حاضر شد مستر شوستر در همان اثنا ترجمه مکتوب خود را به (نرس) آمدن اتمام داد و در آن دفاع نموده بود از تفیضات روسها و مخالفتهای مؤثره مملکت را نسبت به کاتشکان روس ثابت نموده بود بجهت مساعدتها بکه پشاه مخلوع نموده بودند در این مورد احتمال شبهه و تردید میبود که خود مستر شوستر مسئول اتمام آن مکتوب بوده اگر دولت برومی بتواند بر مملکت کوچکی فقط بدین بهانه فزون و جمله نماید که يك نفر صاحب منصب خارجی آن دوات کوچک حرث کرده است که در رد حملات جرایم نیم ذسی انگلیس و روس مکتوب معتدل با استدلالی به (نرس) بنویسد پس باید تمام روابط متصوره بین المللی را تغییر داد مثلاً اگر يك نفر صاحب منصب آلمانی حملات (مکنا) (Mokanna) را در تسریع سرعت جهازات در (نرس) رد نموده بود آیا ما میتوانستیم آن تحریر را علت حثت قرار دهیم حقیقتاً این تضرع همان نصه کرگ و رته و بعدی ظاهر است که هیچکس تحمل تشریح پیش از این را نتواند نمود \*

بیان واقع اینست که دولت روس از اول مصمم بخالفت با مستر شوستر بود زیرا که مشارالیه قدرت و بی باکی امریکائیشرا از اول نیز از نموده و ایران را بزودی قابل نظم و تأدیه فرمستن ساخت اگر چه مشارالیه تمطعی نبود که بدون جد و جهد معاوب کسی واقع شود ولی عاقبت شمشیر روس بر فم او ظفر یافت و فایع سر بروره را يك فقره مطالعه رسمی دولت روس که بسر فیره تشك خود نصب نموده بود خاتمه داد سر ادوارد کری در تقریر سه تنبه خود حقانیت آن مطالبه را ثابت نمود که دولت روس در مخالفت با استخدام رعایای اجانب در ایران محی میباشد حقیقتاً دوامین انگلس و روس بتوسط این ادعا صحت نامه خود تسل را در باره آزادی و استقلال ایران جانه کردند (بعی اسحق و باطل نمودند) و استعراض متعارفی دولت ایران برای تأدیه میزان متعارفی خسارت آن لشکر کشی روس دوم قدم بود تعیین مفتس رسمی اجسی در تحت نفوذ روس حکمران بود را در طهران مسلم خواهد کرد انید در صورت ماناکی تحملی خواهیم نمود که جنوب ایران را در تحت حکومت طارانی به سیم که مکر مسائل روسها شده است عاقبت



اگر چه سخت گیری و وحشی گری و معمول سلوک ما بالنسبه خیلی ملایمتر است از وضع سلوک تر بکان ولی چون در هر اقدامی که نموده سکوت کرده ایم ما هم صبر با خود از تاسی با او ناچاریم و پس از چند سالی ما هم منطقه جنوب را قابض خواهیم شد چنانکه الآن روس در شمال است کابوسی که خواب چندین صلب انصران نظامی هند انگلیس را بر ایشان بلکه حرام نموده بود آخر کار سعادت و طیب خواطر خودمان بحقیقت خواهد پیوست و افواج روس و انگلیس در محل غیر معینی باهم مقابله نموده و ما باید در معنی يك دولت نظامی بزرگ قاره آسیا بشویم و روس و عثمانی را با افواج قرعه بی شمار شان همسایه بی آرام خود خواهیم یافت \*

اگر ممکن بود مسائل متعلقه به ایران را موافق استحقاقش بیان کنیم پس در تاریخ منوات جدیده تغییرات سترگ مشاهده میشد با داشتن و ندانستن این معاهده میتوانیم در هر دو صورت روس را پای بند به اجتناب از مداخله امور ایران سازیم خلاصه ایست که ما حسن جوائردی و اصول آزادی و احترام ملی و هرگونه دور اندیشی را جمع بینافع مشرفی خود را از دست دادیم اگر چه این مسلك را خطرناك و احمقانه می پنداریم ولی بمنفع الوقوع و دور از مهم نمیدانیم این امر یکی از نتایج مسلك بسیار وخیم اروپائی سراد وارد گری میباشد يك وسوسه ساده سطحی از اول حکم فرما بوده که بباد این دولت روس با دول دیگر بطرف آنچه دایره دیپلوماسی آلمان میدانند جلب شود هر سال مطالعه و وبال بی نهایت دیگران را بدمه خود میگیریم برای تحصیل اطمینان در باز دانستن بعضی از دول بمصاحفه کامله با آلمان چنانکه از صورت محاسبه فرانسه در معامله سرانکش و نتایج آن نتوانیم کردن حصه برد کمتر ایران را یا کمال آزادی و اطمینان خواطر روس بخوبی ظاهر میشود آیا این قسمت کراف مناسبی بود برای وصول به این مقصد و بوجود منفع پس این معاملات بمعنت دیپلوما می که تا رسیده چه بوده است " اگر چه دولت روس در ابتدای آن معاملات تر بیک قابل اطمینان فرانسه شناخته شد ولی صبر و در محاسبه و خطر و بیکاره بدهد است و ما و الله ما داجله سلطه یکمد

موضوعی که چندی از واقعه (آکادیر) بروز نماید و ما هم نمیتوانیم در این کار او را خلاصت بخابیم حقیقت واقع اینست که تاکنون بدگاهداری دولت مشارالیه در محل اصلیش موفق نگردیده ام یعنی در داخل دایره فرانسه و انگلیس دولت روس با آلمان شرایط و معاهداتی در (پوتسدام) کرده که نه اقدامات دلبخواهانه اش در ایران و نه مجاهدات و باران طلای انگلیس که در معاملات نقدی بر او باریده برای خریداری صداقتش کافی خواهد بود علتش بسیار واضح است زیرا در مشکلات لشکر یک مسأله است ما او را هر روز دوچار مینماییم او را امداد نمائیم کوتاهی ما برای بکار بردن عبارات خشن خود در پهران (بوسینا) برای ابدالدهر آن امیدواری را خاتمه داد ما در (اروپا) بازی های دری آوریم (تحریراتی میکنیم) که استعداد آن را خود مان نداریم و بواسطه حرص و طمع زیادی که ناشی از اموری تناسبی است آخر کار یا باید بجز و تسلیم حاضر و پا به خطر مغلوبیت تن در دهیم در صورتیکه مجبور شویم که همجو قیامت سنگینی مثل ایران را برای بیطرفی روس باز به برداریم ظاهر است که ستاره ما در عروج نخواهد بود \*



( دوم )

✽ ایران در حالت الشعاع است ✽

در ازمنه ساله که خصائل غارتگری انسان با قصص و حکایات جوانریش مغلوب بهم بود امتیاز مقتدر و متفرد بعبادت و احترام حقوق کشائیکه بایشان منجی شده بودند لغزیه و بیاهنت مینمودند مثلا در زمانه هومر (۱) (Homer) اگر شخص بیچاره به یکی از رؤسای آن زمان متوسل میگشت دور جان و مالش در حفظ و حمایت آن رئیس در امان بود و اگر شخص مراری به یکی از صوایب آلبانی پناه میده میشد بقیامت داشت که دارائی و صرفه و منافعتش مانند مایع خود آن طایفه محفوظ خواهد بود این بود عادات پسندیده ملی که در طلعت وحشی گری و بربریت مسنور بودند ولی دیپلوماسی جدید قوانین تازه برای بقا و عزت خود ایجاد نموده است دو هفته قبل دولت ایران

(۱) هومر یکی از شعرای معروف یونان بود که در عصر او استبداد و بربریت در تمام

بواسطه نهدیدیکه از لشکر گتی و حمله روس بر او شده بود رسوم معینه را عمل نموده به ما تجمعی گردید و به قابوهای منکی (دوینک استریت) (۲) (Donning Street) آویخت ما آن حالت غمناک آسیر را پذیرد و مستحیات این امر را قبول کردیم که اگر دولت ایران به این رأی سرخ منداه ما و حال آنکه هیچ وجه شائبه قنوت در آن نبود عمل نماید. بعضی مطالبات روس را (اگر چه که خود دینلوماتهای ما هم آن رأی را مطابق وجدان خود می پنداشتند) با کسوت مسکوت و فرونی به پذیرد و معذرتی هم از روسها برای نوهیبیکه بر حسب ظاهر به آنها وارد شده بود بخواهد و حال آنکه حوی با خود ایرانیان بود ایرانیان حوس به در و بی روی رأی سرخور را نموده کسان کردند که از نفوذ ما در منع از پیشقدمی روس مفید واقع خواهد شد. ممکن بود تصور شود که اگر حربه زخم ما چوبسی نکند نباید عرق عبرت و حیمت ما بجزرت امداد به ایشان شود در هر حال ایشان متابعت از رأی ما نموده عوض کاملی بر روس دادند اگر نتیجه آن متابعتا سبابت ما را ملزم به راهی با ایشان می نمود. اذلاً رعایت از و نفوذ آن مقتضی بود که ایشان را از تصادف با مطالبات و مطالب بیشتر از آن محافظت نمایم این نصیه ایرانیان را میماند که هیچ کس نباید بی درنگ تصور کند که مسکوت و وزیر خارجه این عصر متحملن مطابقت خواهد نمود با مسکوت اوضاع مصادق امور زمانه «دومر» قصع المطریقان «الانی» «عجب در ایست» که با اینکه در امداد و محافظت از سنان هیچ حدیثی هم نمودیم هیچ کس نمیتواند نهمت مستقیمی اعتنائی هم بیاورد. «معلوم میشود که مطالبات فوق العاده شریک خود را تصویب نموده ایم دولت روس مه امرن درخواست نموده عزل مستر شوستر پذیرقان ایران رأی انکس و روس را در «دانت با حق» استخدام دولت ایران مستخدمین چوبه را از هر مذهب و مای که باشد در حوسری برای معوضه مصارف لشکر گتی روس که برای قبول این مطالب خود به ایرانیان تحمل زحمت نموده اگر چه در نظریه اول آن شروع به رعایت و عی می کرد به تصویب ما بوده ولی شرط نوم آت می کند حفاظت ما در اصراریکه روس در آن تیرکت نموده ایم بر حوصلگی ما در مسکوت از مطالبات قدیمی روس منسوب بصورتی است در هنگامیکه با حتمهای خود مان میاید که چوب هی آن «عجری» را «کار» میکند صورت خود را بر گرفتاراید.

(۲) دولت استریت هم یکی از کوجه های تهران است که وزارت خارجه

در آن واقع است \*

خود شرکت نمودیم \*

آراء عمومی اعضای حکومتی را که ناسم او کار میبکند اجازه نمیدهد که مستلکی اختیار نمایند که هم بسیارست و ضعیف و هم مثل این اقدامات آن ضعیف میباشد. در ادوار گری ابتدا اعتنائی بخواهش و اظهارات هموطنان خود ندارد. اکنون هم مسلک او را میتوان تغییر داده احساس خطر هر یکی از افراد فاعده دان مات انگلیس را از عروج بر این مسلک میتوان حمل بر احساسات خردمندان نمود. این مطلب بدرجه مسام است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیس در روس مستلزم تقاضی شاهنشاهی ایران و یا یکدیگر آمیخته است. شرط عزل مستر تومسوی این مناسبت که در «تس» از حملات جسورانه جراید روسی فقط دفاع شخصی نموده امری نیست که هر ملت شرف آفرینتی آن را حمل بر اواده مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال حمل برود شرط اول جدان دارای اهمیت است و میتوان نموی و بست کر کتی یا تهدید لشکر کتی ظالمانه قبول خواهشهای دولت مقتدرتری مجبور نمود و ایستاهم استقلال خود شان را حفظ نمایند. مضمی باز احتمال تجدید آن مظالم میرود و بی شرط دوم مداخله اجانب را معدول و تا ابد الله جاری میگرداند. حالت ایران بدبختانه طوری واقع شده است که باید اجانب را برای نظم اوضاع مسلطه و وصول مالیات خود مستخدم کرداند و غیر از این صورت نمیتواند امیدوار به اصلاحات سر به دوره خود باشد و هیچ شرطی نمیکند نخواهد بود که بتواند از صرافان ازارهای اجاب استقرض نماید. استقلال رأی و قوت آزندی مستر تومسوی ضمانت کافی او برای اطمینان صرافان در صورتیکه ایران مستقل و خود مختار بود میتوانست از دول بیطرف و بعرض معاونت خواننده آزادیس را تا ابد الله بر فرار بدارد \*

این شرط فوطهور که از طرف سر دوزد گری و روسها بدولت ایران تحمیل شده نتیجه اش اینست که ماهرین خارجیه ایران را محورا ما مورین خود شان ساختند. القاب ملازمین انگلیسی یا روسی برای ایشان مرفی میخواند کرد بلکه مقصود ما ان است. استخاصی را برای استخدام در ایران نامرد نماید که آلت جرای مسلك خودشان باشد و از گسانی حمایت و استظهار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهش هایشان بشود. چنانکه مسلك حکومت ما در مصر نیز بهین طریق است. اگر چه ما مورین ما فقط رأی داده و در

این شرط هیچ اثری نکند الاً نقص کاملی از شاهنشاهی ایران کرده و حقیقتاً معجز  
پیمکرانی رأی دو حکومتی می شود که بتواند سخت تر و شدیدتر از حکومت یگانه ما در  
مصر خواهد بود \*

از سنه ۱۹۰۶ پلشیک خود را باین درجه رسانیده و نفوذ دادیم ما خود داری نمیتوانیم  
نمود از ذکر شمه از مضمون سراسله که وزیر مختار ما به آن دولت خوف زده نوشته و  
از مقصد و مفاد عهد نامه انگلیس و روس توضیح نموده بود غرض آن سراسله مطمئن  
ساختن ایرانیان بود از نتایج آن معاهده که نه مفسد مداخله خواهد شد و نه مانعی به تقسیم  
مملکت مفاد سراسله مزبور این بود که مراد وارد گری و مسبو ايسوالسکی متفقند بر  
اینکه «هیچ يك از دولتین متعاهدین در امور ایران مداخله نخواهند نمود مگر در صورتیکه  
خطر و نقصان پال و جان رعایایشان برسد» اگر چه اصول ممانعت هیچ دولتی واضح تر  
از این نمیشود ولی از اول تا به آخر ایمانی هم بخیر این مطلب ننمودند که چنین موقعی  
بپایه بجهت مداخله شان رسیده باشد ما ابتدا رعایتی از این مطلب می نمایم که مستر  
شیومر در انتخاب ما مور و معاونین انگلیسی یا در اداره وصول مالیات از اعیان و  
آکار مملکت یا در نوشتن مکتوب به «تس» بحق رفته باشد با ممانعت ولی این مسئله  
را نمیتوان انکار نمود که مسترانیه اقدام بپسری نکرد که نتیجه آن حسارت جانی و مالی  
رعایای روس باشد اگر چه نمیتوان گفت که مانگیان را در خود بیستم و در حقیقت  
مداخلات روس را صریح نموده ایم ولی گر نمکین از مطالبات او هم بیاییم گویا  
مسئولیتی که در آن معاهده بر حسب تعبیر خود به نامه گرفته نقض نموده ایم سراسله  
مزبور به یانعا ۱۰۰ می رسد که دولتی می خواهد «آزادی و استقلال آن مملکت را  
صیانت نماید» بعد از آن چنین مدرج است که «به ری بمانند که در حدود پاره  
جوتی بجهت مداخله باشند بلکه مقصودشان از این معاهدات دوستانه است که از مداخلات  
یکدیگر که به پاره محافظت حقوق و ممانعت خود میکنند جلوگیری نمایند» اگر این  
جمله معادی داشته باشد حر این معنی نمیتوان تصور نمود که مقصود بهمانندن ایرانیان  
است که عرض اصلی از این معاهده حقیقتاً اتحاد است جهت محافظت ایران که هر یکی از  
متعاهدین مانع از مداخلات دیگری بشود مرور ما عهد خود را شکسته و پایمال  
صرتکب ظلم خواهیم نمود و روسم رحلاف عهد و میثاق خود از هر گونه مداخله

مضايقه ندارد ما مشارالیه را نه فقط اجازت میدهدیم در ان اقدامات بلکه افعال ناپسند  
 او را تصویب مینماییم ابتداء تعهد نمودیم که « ایران برای ابدالذمه از خطر و اذیلات  
 اجنبیه محفوظ و آزاد باشد . » و نیز برای اینکه « بتواند امور داخلی خود را موافق  
 دلتواه خود منظم گرداند . » ولی چهار سال بعد اصرار میکنیم در استخدام و نامزد  
 گردانیدن اجانب در آن ممالک تا امور آن کشور را بر وفق بین و مرضی ما منظم  
 گردانند غلبه امر را وارد کاری بر آراء عمومی در این مدت مذبد میشود خدمتاش بعقیده  
 خود مان بواسطه تخصصیت مشارالیه است نه برای لیاقت و کفایتش بلکه جهت  
 فیرکی و خردمندی و مهارت و هوشی العاده عالم بودن هم بمشارالیه نرده است بلکه مات  
 انگلیس به استقلال رای و مال اندیشی و احترام شخصی او اعتقاد نموده این یونانی  
 ( مکر ) آخری نسبت برین مرکز نمیتواند ظهور همچو تخصصاتینی واقع شود \*

هیچگاه نمیتوان تصور نمود که ان حرکات شایع جاره زیر نیست از جوابات دریشان  
 و مختصر وزارت خارجه میتوان استنباط نمود که خیالاتش راحت نیست و همین از  
 جواب ارد مورس به ارد کرزن با تغییر لجه که هنوز هم اوانتق از تمس شنیده میشود  
 ابدواریم در تاریکی ( سرا ) مستعمل اصلاح باشد . اگر این امر ( یعنی تقسیم ایران )  
 صورت پذیرد نتایجش کشف و بدترین خدمه اس انصان به اخلاقی و شرف ما در  
 مشرق خواهد بود تا کمرن هیچکس تصور نکرده است که ما عمدتاً به بی شرفی خود تن در  
 داده باشیم علی الظاهر مثل ما مثل شریک ضعیفی است که نتواند از اقدامات ناپسند  
 شریک قوی و بدنیت خود جلوگیری نماید معنی این حرکات بار سنگین فوق الطافه است  
 که سر بار گرفتاریهای ما شده و از این رو باعث جوشانودی سری دواییکه طالب ترقه  
 لشکری میباشد خواهد شد و حدود هندوستان را تبدیل و اندهاد به ریگستانها در وسط  
 ایران داده و صادف سواران هندی را با مزاقان روس جنبی الوقوع خواهد گردانید  
 نه در سرحدی موهوم غیر محفوظی در این معاهده مناقشات مختلفه جنبی با روس  
 مستتر است که دیباچه چینی ما خواهد بود سات ایران منطقه بیطرف بشمار است و  
 قسمت برکی از ما در حایج در ان واقع است با این حال اگر روس در ضمن حکمران  
 شود حکومت این حصه با مالکی خواهد بود از نام نتایج خطرناکی که در این کار  
 پوشیده است . شاید سخت رای باشد که ان نیز جوهرتی معاوضه معمولی بنماید  
 روس در « بوسندام » آزادی و مغر را نه نگاهداری برای خود در بدایت نموده است \*

ولی ما تا کمون باج معمولی خود را ادا نموداریم و در « آسیای » بعید شاید در هر آن مبدل بنافشه اروپا گردد در این مورد عینی را که همسایهٔ مجاور ایرانست همین مصر را در شرکت و مداخلات بسیار راضی خواهیم یافت ایرانیان فی الواقع نلجارتند و از اظهار تنفر از شرکت ما در این امر که باعث حمله کرد البدن حیات ملی شان هنگام تولدش شده است چنانچه دولت دیگر هم اگر تا ما اینگونه رفتار و ما را پریشان کرده بود اقدامات او را تحمل بر غیبت و حمیت نمی نمودیم نظر باینکه هر سلطنتی مجبور به تأدیبهٔ ناوان است در عوض توهین بملت دیگر ممکنست مداخلت با روس ما را نیز معاضدت با چنین روزی بنیاید سر ادوارد گری هنوز هم میتواند از این مخاطرات مسلسل خود را نجات دهد مثلاً میتواند پروتست سختی بر خلاف التماس روس بکند و میتواند خواهش اخراج ( نه فقط قشون تازه ) بلکه تمام افواج ساختوی روس را از تبریز و سایر نقاط ایران بنیاید آنهم در تاریخ صبی ایشان میتواند اظهار نماید که این لشکر کشی مخالف با روح تمام مواد آن معاهده است بله فقط حرف صهار هموار آید و لو بکن از وسایل عقیده دیپلماتی هم باشد طن غالب نیست که بی دلسعه نخواهد ماند اگر این آیدیر هم مؤثر واقع شود پس وقت آنستکه از فرانسه چیزی در عوض هد به که در سلطنت سالی اثر نمایدیشان تقدیم نموده مطالبه نماییم روس از خوف رودت بازار صرافان پاریس و لندن که مبادا درهای خرابیشان را بروی وی به بندد طالب زندگی نخواهد داشت و سایل رهائی از این مغرور خطرناک باقی و کلیدش در دست سر ادوارد گری میباشد بشرط اینکه اولاً بقدر نصف این مستی سخت گیر بماند نسبت بشریک متغلب خود چنانکه آن بشریک باحرف ساده دل و مند بن خود رفتار نموده است از درج يك مقاله در « تمس » لندن و مقاله دیگر به تأیید آن در « نامبس » پاریس شاید بخوبی بتوانند از پوش قدمی روس جلوگیری نمایند ما که اینگونه تدابیر را همیشه برای تمام آوردن و گرفتن کردن مورها ( یعنی دول ضعیف ) بکار میبریم

پس چه ضرر دارد بجهت آزادی

ایرانیان بکار بیاوریم

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

جواب مستطاب مجدد الاجلّه و اتجار



اقای حاجی شیخ محمد حسین صاحب



تاجر شیرازی دام اقبالیه العالی

در ریجی در مطبع شرافت ❀

ریعت مطبع یافت

شهر صفر المظفر ۱۳۲۰ هجری